



فصلنامه علمی - تخصصی معماری سبز
سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۵

بررسی رابطه فرهنگ با معماری آرامگاهی و تأثیر آن در طرح آرامگاه بوعلی
سینا همدان

کورش مومنی دهقی

معماری و شهرسازی اسلامی در فرم یا در معنا

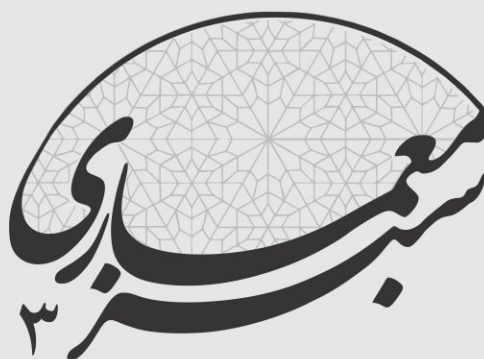
رحیم هاشم پور

تأملی بر مسایل و مشکلات شهرهای جدید با تأکید بر شهر جدید رامشار (زابل)

خدارحم بزی

کاربرد روش بحث‌های گروهی متمرکز در پژوهش نواحی نابسامان شهری

علیرضا محمدی



فصلنامه علمی - تخصصی معماری سبز
سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۵

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

امیرحسین یوسفی

سر دبیر: میلاد فتاحی

مدیر داخلی: زهرا السادات چاوشی

۰۲۱ ۳۳۲۰ ۲۴۸۷ ۰۲۱ ۴۳۸۵۷۱ ۲۴
۰۲۶ ۳۲۷۲ ۴۷۸۷ ۰۲۶ ۳۲۷۴ ۷۱۵۸
تهران: افسریه ۱۵، متری چهارم، کوچه ۳۸، پلاک ۲۸، واحد ۲
کرج: چهارراه هفت تیر، خیابان لاله ۱، پلاک ۱۴، طبقه همکف



فهرست مقالات

صفحه	عنوان مقاله
۱	بررسی رابطه فرهنگ با معماری آرامگاهی و تأثیر آن در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان کوروش مومنی دهقی
۱۱	معماری و شهرسازی اسلامی در "فرم" یا در "معنا" رحیم هاشم پور
۱۹	تأملی بر مسایل و مشکلات شهرهای جدید با تأکید بر شهر جدید رامشار (زابل) خدارحم بزّی
۳۱	کاربرد روش بحثهای گروهی متمرکز در پژوهش نواحی نابسامان شهری علیرضا محمدی

بررسی رابطه فرهنگ با معماری آرامگاهی و تأثیر آن در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان

کوروش مومنی دهقی*

استادیار گروه معماری دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول

K_momeni@jsu.ac.ir

چکیده

اهمیت معماری آرامگاهی مرهون ارتباط تنگاتنگ با فرهنگ عامه است. این گونه معماری ارتباط مستقیم با جهان بینی، ایدئولوژی و اقتصاد جامعه خود دارد. توجه به معماری آرامگاهی را می توان معلول دو عامل: حب ذات و اعتقاد به جهان بعد از مرگ (به خصوص در فرهنگ مصر باستان در ایجاد اهرام و مصطبه ها) و در دوره های بعد ارادت و علاقه دوستاناران شخص متوفی دانست. در مورد ارادت و علاقه شخص متوفی هیچ سنت آرامگاهی را همچون ایران نمی توان یافت که از چنین عمر دراز و مقبولیت عامه برخوردار باشد که همچنان بعد از سالیان دراز پابرجاست. در این تحقیق سعی شده است تا با روش توصیفی- تحلیلی نقش و تأثیر فرهنگ آرامگاهی را در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان با توجه به تاریخ بناهای آرامگاهی در ایران مورد بررسی و پژوهش قرار بدهیم. نتایج بدست آمده نشان می دهد، که طراح در طرح آرامگاه بوعلی توانسته؛ جنبه فرمی و ظاهری فرهنگ را با استفاده از فرم های معماری آرامگاهی و با توجه به فرهنگ زمانه و تأثیر مدرنیسم بر معماری، تحقق دهد و جنبه محتوایی با استفاده از رموز و استعارات بکار رفته در بنا تحقق و تجلی یافته است.

واژه گان کلیدی: فرهنگ، معماری آرامگاهی، معماری آرامگاهی قبل و بعد از اسلام، آرامگاه بوعلی سینا.

۱- مقدمه

احترام به متوفیان و سوگواری در مرگ عزیزان در ایران باستان رواج داشته است. نمونه های این سوگواری را می توان در شاهنامه فردوسی مشاهده کرد. (مرگ سیامک پسر کیومرث، مرگ ایرج، کشته شدن سهراب و...). در شاهنامه نیز در مورد مرگ رستم به صراحت به ساخت آرامگاهی در خورشان او اشاره شده است.

سرش را به ابر اندر افراختند

به باغ اندرون دخمه ای ساختند

بدان خوابیده گو نیک بخت

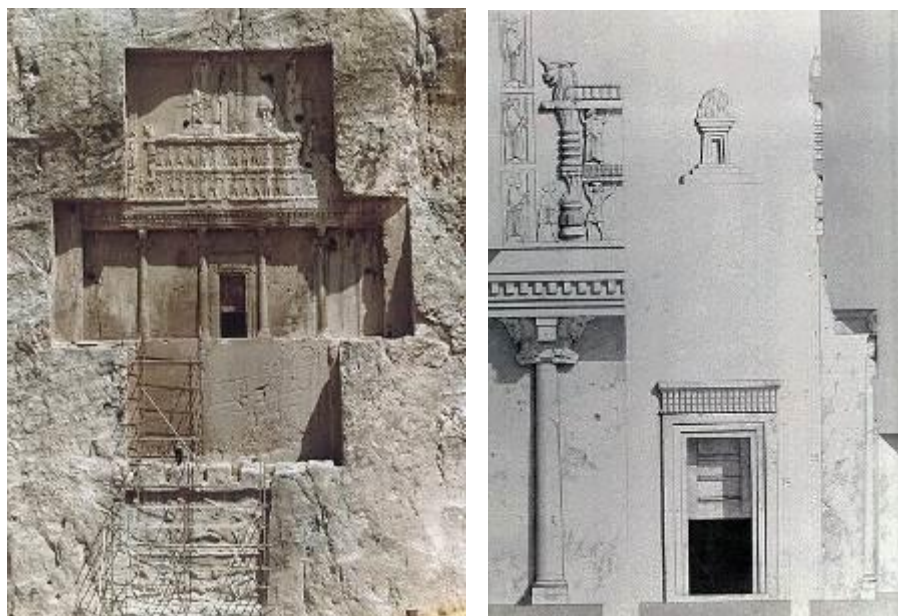
برابر نهادند زرین دو تخت

شد آن نامور گرد گردن فراز، (فردوسی، ۱۳۷۵: ۱۳۱۶).

در دخمه بستند و گشتند باز

در طول تاریخ ایران باستان، همواره استمداد طلبیدن از ارواح پاک درگذشتگان وجود داشته و این باور به صورت عینی در زندگی آنان رسوخ پیدا کرده بود، به عنوان مثال، خانه تکانی قبل از مراسم نوروز ریشه در این باور دارد که ارواح فوت شدگان در این ایام به خانه خود باز می گردند و ارواح از ناپاکی و کثیفی بیزارند. همچنین در آدینه آخر سال به یاد مردگان و نثار روح آنان نذورات به فقرا می دانند. وجود فرم ها و نقوش مقدس بر روی آرامگاه ها، به خصوص آرامگاه های نقش رستم و تخت جمشید دلالت بر بزرگی و عظمت شخص متوفی و تمایز وی با سایر درگذشتگان عادی دارد. فرم چلیپا و نماد فروهر به عنوان نگهبان مقبره همگی کنایاتی است بر اهمیت آرامگاه ها در دوران تاریخ ایران است. در ادوار مختلف در دوران های مختلف و در مکان های مختلف با شیوه های تدفینی متفاوتی مواجهه می شویم: کسپیان جنازه هایشان را طعمه پرندگان می ساختند. سکاها مردگان خویش را

به همراه خدم و حشم در دخمه‌هایی به صورت تپه به خاک می‌سپارند. دخمه در زبان فارسی به معنای حفره تنگ و تاریک است. با توجه به رسم در دخمه قرار دادن مردگان توسط سکایان و آتش زدن آنان توسط هندوان، ایرانیان تنها واژه دخمه را حفظ نمودند و وجود گورهای مادی و هخامنشی، بنحوی معرف وجود دخمه‌هاست. اتاقک‌های تدفینی در دل کوه‌ها در دوران مادها در کردستان و آذربایجان غربی و قسمتی از خاک کنونی عراق، همانند دخمه فخریکا، دخمه فرهاد و شیرین، داود دختر، آخوررستم، در دوران هخامنشی در نقش رستم و تخت جمشید به اوج خود رسید، (موسوی، ۱۳۷۸: ۴۹-۴۳).

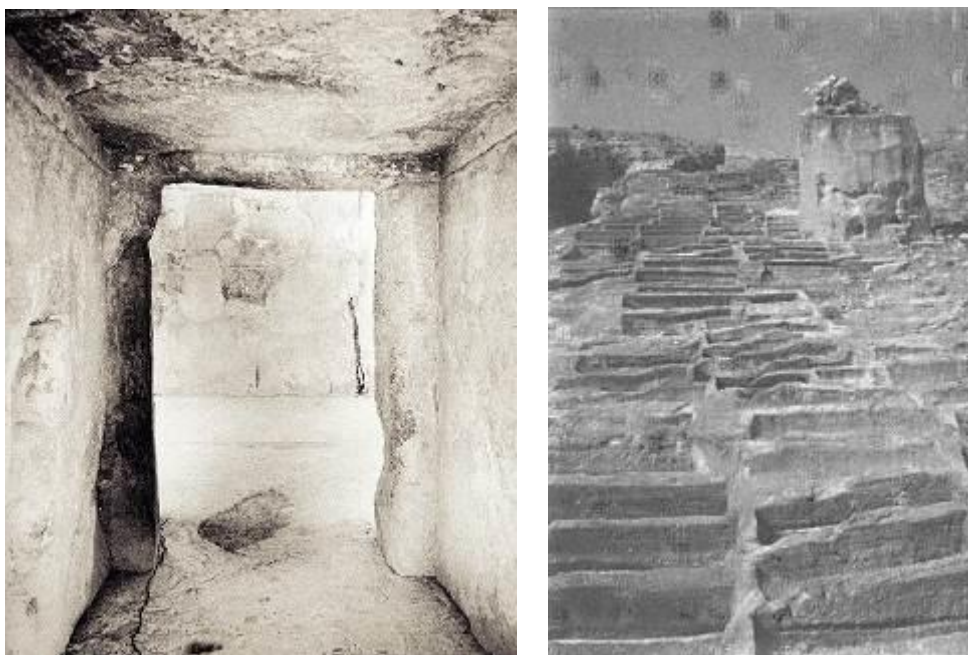


شکل ۱- نقش رستم

در میان مقابر هخامنشیان، مقبره پدر کورش و کورش را می‌توان استثناء دانست، (فرم کوهسان این دو آرامگاه زیگورات‌های بین‌النهرین را به یاد می‌آورد)، زیگورات‌ها نمادی از کوه، مظهر خیر و برکت و قداست) و همچنین تأثیر گرفته از اهرام مصر، طی حملات کورش و کمبوجیه به مصر می‌باشد و تا حدودی نیز می‌توان گفت برگرفته از معماری اورارتورها نیز می‌باشد. وجود مقابر هخامنشیان نشان دهنده دخمه و پذیرفتن رسم کسپیان می‌باشد. احتمالاً از اواسط دوره هخامنشی توسط طبقه روحانیون مادی (مغان) و پس از اداره دین زرتشت توسط مغان، این آئین وارد دین زرتشت شد و در دوره ساسانی با رسمی شدن دین زرتشت، به دخمه نهادن مردگان آئین عمومی ایران گشت.



شکل ۲- آرامگاه کورش کبیر در پارسارگاد



شکل ۳- دخمه های ساسانی (سیراف) و داخل مقبره کورش کبیر

۲- معماری آرامگاهی دوران اسلامی

طبق تعالیم اسلامی بی تابی، شیون و گریه در وفات نزدیکان، جز برای والدین و فرزندان نارواست. پیامبر اکرم(ص) نیز سفارش کرده اند تا گورها همسطح زمین باشند و اجساد مردگان را در یک کفن سفید بلافاصله و بدون تشریفات به خاک بسپارند، ولی در عمل این گونه نشد و با مخالفت اقوامی که به اسلام گرویدند روبرو شد. شاید اولین گام در این مخالفت تبدیل شدن آرامگاه (منزل) پیامبر به مسجد توسط ولید بن عبدالملک در دوران بنی امیه بود و دیری نگذشت که قبه‌هایی از خاندان و اهل پیامبر نیز مشخص گردیدند.



شکل ۴- شعب ابی طالب (مقابر با سنگ مشخص شده اند) و مسجدالنبی
(مآخذ: پوپ، ۱۳۷۳: ۹۳-۸۷).

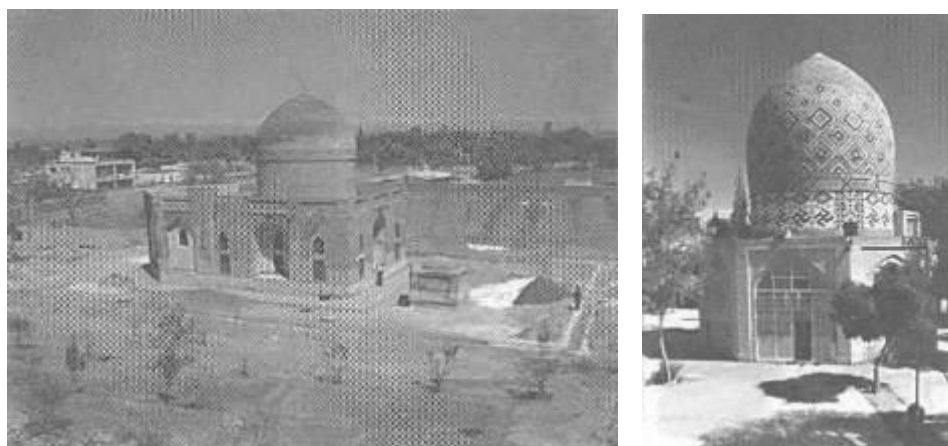
با گذشت زمان با افزودن محراب به آرامگاه ها این گونه بناها جنبه قداستی پیدا کرد و با توجه به دیدگاه اسلام که هر مکانی با توجه به شرایط می تواند به عنوان مسجد مورد استفاده قرار گیرد ، بناهای آرامگاهی روز به روز بر اهمیت شان افزوده شد و با مهاجرت فرزندان ائمه(ع) به ایران در جای جای ایران آرامگاه ها و زیارتگاه های مقدسی بر پا شد. شفاعت و زیارت در فرهنگ شیعه دو عامل بسط و گسترش آرامگاه ها در ایران می باشد. یکی دیگر از وجوه تمایز آرامگاه های ایران با آرامگاه های سایر نقاط ، تفاوت معنایی و محتوایی آن است. نام های که به آرامگاه های ایران اطلاق مشود مانند:

گنبد، مشهد، روضه، مرقد، آستان، رباط و امامزاده. به طور کلی آرامگاه‌ها علاوه بر مقبره، دارای کاربری اجتماعی بودند و گاهی به مراکز عمومی تبدیل می شدند.



شکل ۵ - مقبره شاه اسماعیل در ماهان

در معماری آرامگاهی، استحکام بنا که کنایتی بر جاودانگی و ماندگاری است دارای اهمیت بیشتری است تا نوآوری و به همین دلیل تغییرات در تنوع فرم معماری آرامگاه‌ها نسبت به بناهای دیگر همچون مساجد ناچیز می باشد. بناهای آرامگاهی را می توان به دو دسته بناهای چهار گوش (چندضلعی منتظم) گنبدار و برج های آرامگاهی تقسیم کرد. چهارضلعی های گنبدار (چهار تاقی ها) ریشه ای کهن در معماری ایران دارند و معمولا آتشکده های ساسانی بودند. در دوره های بعدی به منظور استفاده بهینه از فضا، فرم مربع شکل آرامگاه به چندضلعی منتظم تبدیل گشت و در ایران هشت ضلعی منتظم بیشتر جلوه گر شد.

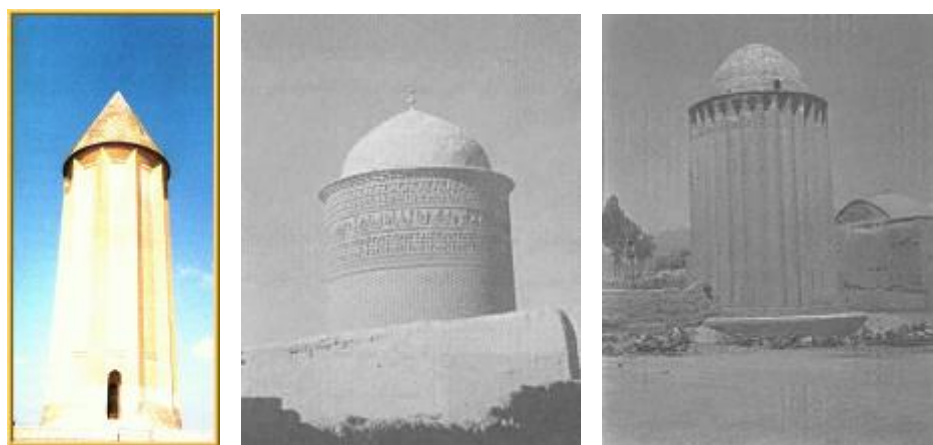


شکل ۶ - بقعه شیخ الجبرئیل اردبیل و امامزاده اسماعیل ابهر (فرم چلیپا بر روی ساقه گنبد مشهود است)
(مآخذ: پوپ، ۱۳۷۳: ۹۳-۸۷)



شکل ۷ - بقعه دوازده امام یزد، (مآخذ: پوپ، ۱۳۷۳: ۹۳-۸۷).

برج های آرامگاهی که بیشتر جنبه نمادین داشتند، در ابتدا از اجزاء ساده ای تشکیل شده بودند که شامل یک استوانه با بام مخروطی بود. در طول زمان برج های آرامگاهی به صورت برج های پره دار و جسیم و پشت بند های گوشه دار نمایان شدند و استوانه ساده به شش ضلعی، هشت ضلعی، ده ضلعی و برج های ستاره دار تکامل یافتند و در این میان هشت ضلعی ها مورد پسند عام و دیرپاتر بود. فرم غالب آرامگاه های ایران تا اوائل حکومت سلجوقیان چهار ضلعی های گنبددار بود و از این به بعد برج های مقبره ای رواج یافت و اوج آن در دوران حکومت سلاجقه و ایلخانیان بود، (همان: ۴۹-۴۳).



شکل ۸- برج کاشانه بسطام، گنبد قابوس و برج پیر علمدار دامغان غزنویان

(مآخذ: پوپ، ۱۳۷۳: ۹۳-۸۷)

از لحاظ سازمان فضائی، تفاوت اساسی برج های آرامگاهی با مقبره های چهار ضلعی گنبددار در این بود که برج آرامگاهی اغلب فضائی کور و بسته بود ولی چهار ضلعی گنبددار استعداد و قابلیت زیادی برای توسعه داشت و همین عامل با رواج آئین های عبادی در آرامگاه ها سبب مقبولیت هر چه بیشتر، چهار ضلعی های گنبددار به جای برج های آرامگاهی تا دوران معاصر شد. در دوران معاصر با تولید مصالح جدید و شکل گرفتن معماری مدرن و حضور افکار جدید در دنیای معماری همچون شفافیت، عملکرد گرائی و...، معماری آرامگاهی نیز از این اصول بدون تاثیر نماند و باعث شکل گیری تحول جدیدی در معماری آرامگاهی شد که باعث تلفیق فرهنگ گذشته معماری آرامگاهی با نیازها و ضرورت های جامعه معاصر ما شد که نمونه های از آنرا می توان در کارهای مهندسی هوشنگ سیحون مشاهده کرد.



شکل ۹ - آرامگاه بوعلی سینا همدان و آرامگاه بابا طاهر عریان

۳- نقش و تاثیر فرهنگ آرامگاهی در طراحی آرامگاه بوعلی سینا همدان

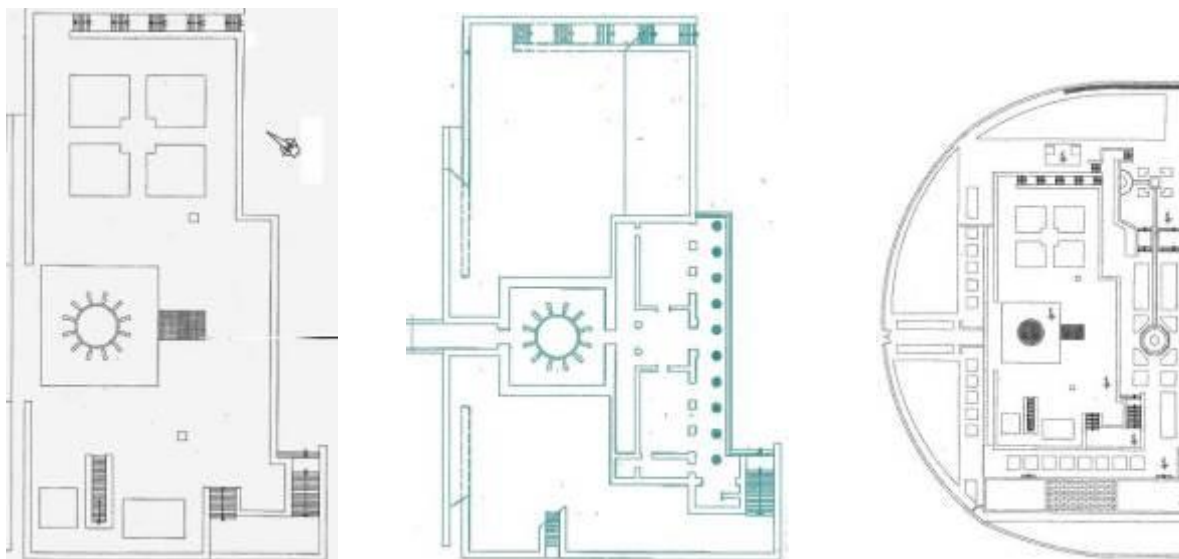
طرح ساخت آرامگاه بوعلی سینا همدان به مناسبت هزارمین سال تولد بوعلی توسط انجمن آثار ملی توسط مهندس هوشنگ سیحون، طراحی و نظارت شد و توسط شرکت پیمانکاری ابتهاج و شرکاء ساخته شد. آرامگاه بوعلی سینا در شهر همدان بنا شده است که امروز در وسط یک میدان قرار گرفته است. فضاهای اصلی آن به شرح ذیل است: ۱- ایوان ده ستون، ۲- لابی، ۳- مقبره، ۴- موزه، ۵- برج، ۶- محوطه آرامگاه.



شکل ۱۰- آرامگاه بوعلی سینا همدان

همانگونه که اشاره شد دو عامل شفاعت و زیارت در مذهب شیعه باعث شکل گرفتن معماری آرامگاهی شد و باعث ایجاد فضائی برای زیارت و استمداد از ارواح درگذشتگان در اطراف قبر متوفی شده است که در آرامگاه بوعلی به عنوان فضای مرکزی طرح بوده و در انتهای مسیر و در زیر برج آرامگاهی واقع شده است. پلان فضای مقبره مربع شکل است که شاید نمادی از خاکی و زمینی بودن انسان در برابر ماوراءالطبیعه باشد. همچنین با ایجاد یک پرچین و حصار چوبی قبر را با فضای طواف و زیارت جدا کرده است ولی با این حال امکان فاتحه خواندن و نزدیک شدن و لمس سنگ قبر که در

فرهنگ آئینی ما ملحوظ است، امکان پذیر می باشد. همانگونه که اشاره شد اکثر فضاهای آرامگاهی، دارای کاربری های دیگری به جز مقبره بودن و دارای کاربری اجتماعی نیز بوده اند که همین امر باعث بوجود آمدن فضاهای دیگری مانند کتابخانه و موزه بوعلی و فضاهای تفریحی، توریستی شده است که مطابق با نیازهای زمانه شکل گرفته است و همین کاربردی بودن مجموعه برای افراد متفاوت باعث ماندگاری، زنده و جاودانگی بودن بنا می شود. معمار با تلفیق دو سبک برج های آرامگاهی و چهار ضلعی های منتظم، سعی در رسیدن به طرحی بوده است که در آن همه نیازهای کاربردی زمان و نیازهای آرامگاهی با طرحی مطابق با خواست زمان طرح و اجرا شود. در این بنا با الهام از گنبد قابوس، هم اشاره به بنای همزمان دوران زندگی بوعلی شده است و هم جنبه نمادین و جاودانه بودن بنا را با ایجاد شکوه و اوج تاکید کرده است، همچنین معمار با استفاده از دوازده پره بتنی هم سعی در ایجاد شفافیت مطابق با خواست فرهنگ زمان و هم اشاره به دوازده دانش بوعلی داشته است و هم خود برج را در برابر وزش بادهای شدید همدان محافظت و منطبق با اقلیم همدان کرده است و به زیبایی؛ مسائل فرهنگی و مسائل اقلیمی را ترکیب و تلفیق کرده است، (بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۶).

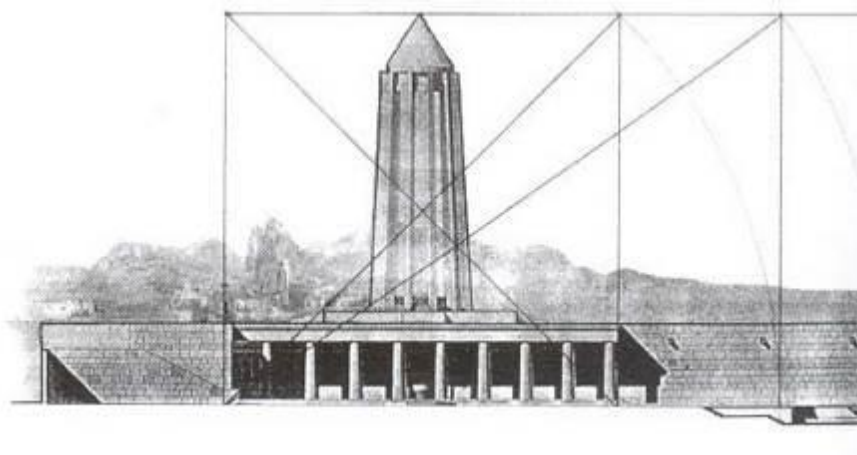


شکل ۱۱ - سایت پلان، پلان همکف و پلان بام، (مآخذ: بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۶).

در طرح محوطه بنا، چه در طبق همکف و چه در طبقه اول (بام)، با استفاده از اصول باغ ایرانی و استفاده از محورهای حرکتی آب و وجود آبناها و استفاده از مصالح بومی همدان همچون سنگ خارا همدان، سعی در عجین کردن فضا با فرهنگ و خصوصیات ایرانی ها داشته است. از نکات دیگری که اشاره شد جاودانگی بناهای آرامگاهی می باشد که هم به صورت ظاهری و فرمی بود که به آن اشاره شد و هم محتوی و معنایی که باعث غنا بنا نسبت به سایر بناها می شود و آن استفاده از یکسری رموز و استعاره می باشد که در طرح آرامگاه بوعلی می توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱- مربع پایه و اساس فضاهای بنا، ۲- ایوان ده ستونه نماد هزارمین سال تولد بوعلی که هر ستون نماینده یک قرن و جمعا هزار سال، ۳- قرار گیری برج و ایوان در نما در یک مربع که نماینده انسان در راه کمال و همان بوعلی سینا (انسان ایستاده با دست های گشاده)، ۴- استفاده بیش از ۵۰۰ مربع در طرح و اجزاء بنا و، که همه این موارد برای غنی کردن و بالارزش کردن یک بنا آرامگاهی نسبت به سایر بناها می باشد، که ریشه در فرهنگ و مقدس بودن اینگونه بناها در فرهنگ بومی ما ایرانیان دارد، (همان: ۱۵۲).



شکل ۱۲ - استفاده از شکل مربع و اصول باغ ایرانی و محورهای حرکتی آب در طرح آرامگاه بوعلی همدان (مآخذ: بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۶).



شکل ۱۳ - قرار گیری برج و ایوان در نما در یک مربع، (مآخذ: بانی مسعود، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۴۶).

۴- نتیجه گیری

سوال: نقش و تاثیر فرهنگ آرامگاهی در طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان به چه شکل تجلی یافته است؟
جواب: با توجه به توضیحات گذشته و شرح فرهنگ معماری آرامگاهی و خصوصیات آرامگاه بوعلی، می توان گفت که جنبه فرمی و ظاهری فرهنگ را با استفاده از فرم های معماری آرامگاهی و نوآوری آن، با توجه به فرهنگ زمانه و تاثیر مدرنیسم بر معماری، تحقق یافته است و جنبه محتوایی آنرا با استفاده از رموز و استعارات بکار رفته در بنا تحقق و تجلی یافته است.

تشکر و قدردانی

کلیه هزینه های این مقاله از محل اعتبارات پژوهانه دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول تامین شده است که صمیمانه تشکر و قدردانی خود را ابراز می نمایم.

مراجع

- ۱- بانی مسعود، امیر (آذر و دی ۱۳۸۳)؛ « بناهای یادمانی هوشنگ سیحون»، مجله معمار، ش ۲۸.
- ۲- پوپ، آ (۱۳۷۳)؛ «معماری ایران»، ترجمه: غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات فرهنگیان، چ ۳.
- ۳- پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۱)؛ «آشنائی با معماری اسلامی ایران»، تدوین: غلامحسین معماریان، تهران: دانشگاه علم و صنعت، چ ۶.
- ۴- شاهنامه فردوسی (۱۳۷۴)؛ به تصحیح ژول مول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵- موسوی، محمد رضا (۱۳۷۸)؛ «فرهنگ عامه و معماری آرامگاهی»، مجله آبادی، ش ۳۴ و ۳۵.
- ۶- اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۸۰)؛ «حس وحدت ، سنت عرفانی در معماری ایرانی»، ترجمه: حمید شاهرخ، تهران: انتشارات نشرخاک ، ص ۳۸، ۵۹، ۱۰۹.

معماری و شهرسازی اسلامی در "فرم" یا در "معنا"

رحیم هاشم پور^۱

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

Ra_Hashempour@yahoo.Fr / Ra_Hashempour@ikiu.ac.ir

چکیده

همواره در خصوص معماری و شهرسازی اسلامی سخنها رفته و مطالب زیادی نگاشته شده است ولیکن هنوز که هنوز است نمی توان فضایی را به مفهوم و شکل واقعی آمیخته با مبانی اساسی اسلامی به جهانیان ارائه دهیم. گاهی به تفاوت شکلی فضا با مبانی فضای اسلامی بر می خوریم و گاهی به تفاوت مفهومی فضا با مبانی اسلامی. در هر دو صورت اشکال کار در عدم درک صحیح از فضای اسلامی در شهر و معماری اسلامی می باشد. هیچگاه از خود پرسیده ایم اولین مکان ساخته شده با تفک و نفی اسلامی کجاست و کدام است؟ آیا تا بحال از خود پرسیده ایم که شهراسلامی در کالبد تعریف می شود یا در حق. شهروندی؟ آیا کالبد شهراسلامی از ۱۴۰۰ سال تا به امروز براساس فرهنگ مردم شهر شکل گرفته است یا براساس اعتقادات اسلامی؟ و اگر جواب اعتقادات اسلامی است پس چرا امروزه هیچکدام از این شهر مورد تأیید صد در صد علمای بزرگ اسلام نیستند؟ آیا اینطور نیست که شهراسلامی در تمامی ابعادش مورد نقد و بررسی با ید قرار گیرد؟ در واقع معماری و شهرسازی اسلامی چیزی بجز مفهوم و معنا نیست و شکل و فرم در صورت ایجاد "مفهوم" و "معنا" در آن فضا "شکل" و "فرم" اسلامی پیدا کرده و به فضای اسلامی تبدیل میگردند. اگر به تاریخ احداث بناهای مساجد قدیمی مثل اردستان، مسجد جامع اصفهان، جامع یزد و... و تاریخ ظهور اسلام و اگر به خیلی دور تر برویم ساخت کعبه مکرمه بدست حضرت ابراهیم خلیل الله... در این پژوهش سعی در باز کردن مفاهیم و انتظارات مورد نظر اسلام از معماری و شهرسازی و همینطور مشخص کردن عناصر شاخص فضاهای اسلامی می باشد.

واژه گان کلیدی: شهرسازی و معماری اسلامی، فضای اسلامی، کعبه، قرآن، حضرت محمد(ص)، حضرت ابراهیم خلیل الله.

مقدمه

معماری و شهرسازی اسلامی از جمله معماریهایی است که بر اساس فرهنگ و تمدن مذهبی بنا شده است. این نوع معماری و شهرسازی در کشورهای پیدا می شود که تاثیر پذیری قابل توجهی از ایدئولوژی اسلامی در طول سالهای متمادی داشته و بر اساس همین ایدئولوژی فرهنگ خود را بنا کرده اند. از آن جمله می توان کشورهای آسیای میانه و قفقاز، ایران، عراق، ترکیه، سوریه، مصر، تونس، الجزایر، مراکش (مغرب)، هند و افغانستان را نام برد. البته نباید فراموش کرد که کستره زمانی این کشورها برابر نیست برای مثال چنین نقشی برای کشور مصر از تاریخ ۹۲۴ قمری رقم زده شد (هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷).

هنر اسلامی با روی کار آمدن امویان در سال ۴۱ ه.ق. و با انتقال خلافت امویان از مدینه به دمشق، آغاز شد. این انتقال، هنر اسلامی ترکیبی از هنر سرزمینهای همسایه بویژه ایران گردید.

اولین هنر معماری اسلامی در ایران را می توان در شرق کشور، در منطقه خراسان پیدا کرد. این شیوه را شیوه "خراسانی شبستانی" نامیدند و در اوائل قرن اول ه.ق. در همان ابتدای پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان، مشاهده می کنیم. این شیوه را می توان اولین شیوه "معماری اسلامی" در

^۱ شماره تماس: ۰۲۶ ۳۲۵۰۶۱۴۷

ایران نام نهاد. این حرکت تا دوره های "آل بویه" و "دیلیمیان" (قرن چهارم ه.ق) ادامه پیدا کردند. در این شیوه، نقشه مساجد از صدر اسلام الهام گرفت و مساجد به صورت شبستانی (چهل ستونی) بنا گشتند. به طور کلی، معماری در این شیوه بسیار ساده و خالی از هرگونه تکلف است و مصالحی که در این بناها به کار رفته ساده و ارزان قیمت می باشد. از مساجد این شیوه می توان به «مسجد جامع فهرج یزد»، «مسجد تاریخانه دامغان»، «مسجد جامع نائین»، «مسجد جامع نیریز» و «بنای اولیه مسجد جامع اصفهان» اشاره کرد.

در نیمه اول قرن پنجم ه.ق، با تأسیس سلسله سلجوقیان، درخشان ترین دوره هنر اسلامی در ایران آغاز گردید. در این دوره، شاهد اوج شیوه ای از معماری به نام «رازی» هستیم که از زمان سلسله «آل زیار» در شهر ری آغاز و تا حمله «مغولان» ادامه پیدا کرد. در این شیوه بود که معماران از انواع «نقوش شکسته» و «گره سازی» با آجر و کاشی استفاده کردند و همچنین در طرح هایشان از طرح چهار ایوانی و قراردادن گنبد بر مقاطع مربع، بهره بسیار بردند. آثار معماری در این دوره، از بنیاد با «مصالح مرغوب» بنا شدند. مساجد معروفی چون «مسجد برسیان» در نزدیکی اصفهان، «مسجد جامع اردستان»، «مسجد جامع کبیر قرین» و «مسجد جامع اصفهان» که بر روی شالوده های دوران «آل بویه» بنا گردید، از نمون ه های این شیوه به شمار می روند.

در شهرهای اسلامی حمامها در گذرگاههای اصلی شهر، راسته بازارها و کاخهای حکومتی طوری ساخته می شد که برای تأمین آب بهداشتی و خروج فاضلاب مشکلی پیش نیاید. شاید بتوان گفت حمامها پس از مسجد و مدرسه یکی از مهمترین بناهای شهری محسوب می شدند. فضای اصلی هر حمام، شامل بینه، میان در و گرمخانه بود. به این ترتیب که هر یک از فضاهای فوق به وسیله راهرو و هشتی از فضای دیگر جدا می شد تا دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم شود. کف حمامها از سنگ مرمر و دیگر سنگها پوشیده شده بود، ازاره حمام با سنگ و کاشی تزیین می شد. از جمله تزیینات داخلی حمامها آهکبری به صورت ساده و رنگی بوده است (مانند حمام گنجعلیخان کرمان، کردشت میانه و خسرو آقا اصفهان).

در طی قرنهای هفتم تا دهم ه.ق و با اتفاقاتی همچون حمله مغولان، خیلی از کشورهای اسلامی از جمله ایران به وضع بسیار بدی درآمدند ولی با روی کار آمدن ایلخانیان مغولان فرهنگ و سنتهای کشورهای شکست خورده را پذیرفتند و یکی از حامیان هنر و هنرمندان اسلامی شدند. در این دوره، شیوه ای به نام «آذری» رواج یافت که تا دو ره «صفویه» ادامه پیدا کرد و شهرهایی چون «تبریز»، «بغداد»، «سلطانیه» و «اصفهان» مراکز هنر و هنرمندان گشتند و بناهای مذهبی و غیرمذهبی متعددی در این شهرها ایجاد شدند. در قرن هشتم تیمور شهرهای ایران را به آتش کشید و باز هنر ایرانیان در شهرهای سمرقند و بخارا شکل گرفت.

در اوایل قرن هفتم ه.ق، با هجوم مغولان، بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ایران به ویرانی کشیده شدند، اما چندی نگذشت که با تأسیس سلسله ایلخانیان، از بناهای معروف دوران ایلخانی و تیموری، می توان به مسجد گوهرشاد، مسجد جامع ورامین، قسمت اعظم بناهای حرم رضا، مسجد کبود تبریز (معروف به فیروزه ی اسلام)، مسجد جامع یزد و... اشاره کرد.

با روی کار آمدن صفویان در اوایل قرن دهم ه.ق، شهرهایی چون «تبریز»، «قزوین» و «اصفهان» به مراکز هنری ایران تبدیل شدند. در این دوره، شاهد اوج هنر معماری ایران می باشیم که توسط پادشاهان مقتدر و هنردوست آن دوره یعنی «شاه تهماسب» و «شاه عباس اول» به وجود آمد. در این دوران البته، اندکی قبل از دوره صفوی یعنی از زمان قراقویونلوها، شیوه ای دیگر در معماری ایران به وجود آمد که به «شیوه اصفهانی» معروف گردید. در این شیوه، نقشه ها و طرحهای ساختمانی رو به سادگی نهاد و استفاده از کاشی های خشتی و هفت رنگ به جای کاشی معرق رواج یافت. مساجدی چون «شیخ لطف ا...» و «مسجد امام» در اصفهان، از شگفتی های معماری این دوران به شمار می آیند. در دوران زند و افشار، بتدریج شاه د افول معماری ایرانی می باشیم، به طوری که این رکود و افول در دوره قاجار به اوج خود می رسد. با وجود این رکود، باز هم شاهد ایجاد بناهایی چون «مسجد امام تهران»، «مسجد و مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)» و «مسجد و مدرسه آقابزرگ» در کاشان و... می باشیم (مارتن. هانری، ۱۳۷۵).

ورود دیدگاههای ملیت در اسلام

همانطوری که در تاریخ گذشته ایران بطور مختصر به روند حضور معماری و شهرسازی اسلامی اشاره شدف این شیوه در جهان اسلام تبدیل به مکاتبی متفاوت شد که هرکدام بنا به اصالت معماری و شهرسازی خود به آن توجه داشتند. مارتن هانری برای مشخص کردن این شیوه ها به مشخص کردن مکاتب و سبکهای بوجود آمد پرداخته و پنج مکتب حاصل از این تغییر تحولات را بدین شهر دسته بندی می کند:

۲- مکتب مغرب: تونس، الجزایر، مراکش و اسپانیا

۳- مکتب ایرانی: ایران، عراق، آسیای میانه، افغانستان و بخشی از پاکستان

۴- مکتب عثمانی: ترکیه و آناتولی

۵- مکتب هند

برای باز شناسی این سبکها می توان به اماکن مشخصی که امروزه هم آثار آن باقیست مراجعه کرد. از آنجمله می توان اماکنی چون: مسجد، آرامگاه (اماکن متبرکه)، مدرسه، بازار، کاخ و کاروانسرا مراجعه کرد.

برنامه ریزی شهرهای اسلامی

در اوائل قرن بیستم اوضاع بسیاری از شهرها به علت پدیده صنعتی نیاز به برنامه ریزی و طراحی داشتند. ایده های بسیاری در زمینه بهبود اوضاع زیست محیطی شهرها و هماهنگی بهیه بافت آنها با پدیده های جدید چه در زمینه برنامه ریزی و چه در طراحی شهری توسط علاقه مندان و طراحان و برنامه ریزان شهری ارائه شد. مبانی واحدهای همسایگی از جمله ایده هایی بود که توسط افرادی چو کلارانس پری در آمریکا در حل مشکل سرریز جمعیت شهرها چه به صورت متصل (گسترش شهرهای موجود) و چه به صورت منفصل (در شهرهای جدید) به طور گسترده ای نه تنها در غرب و شرق بلکه در سرزمینهای اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. در حالی که در کشورهای اسلامی نه تنها بر اساس نیازهای فیزیکی که بیشتر ایده طراحی واحد همسایگی مد نظر بود، بلکه در زمینه مسائل فرهنگی، مذهبی و اجتماعی نیز تجربه طراحی و ساخت محلات مسکونی برخوردار بودند. تجربه تبلور یافته از فرهنگ غنی اسلامی متأسفانه در دوران معاصر خصوصاً عصر قبل از انقلاب اسلامی مورد توجه قرار نگرفت و به دلیل استفاده از مشاوران غربی در امر برنامه ریزی شهری بیشتر به ایده واحدهای همسایگی در غرب و ابعاد فیزیکی توسعه و طراحی پرداخته شد (پور جعفر، ۱۳۷۶).

از جمله شهرهایی که از تفکر و مبانی برنامه ریزی و طراحی اسلامی تأثیر پذیر بودند مدینه النبی بود که بدلیل حضور پیامبر اکرم (ص) به عنوان شهر اسلامی شناخته شد. پس از آن مکه و کوفه بود که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی قرار گرفت. در سال ۱۳۳ هجری شهر بغداد پایتخت ساسانی بود و معماری اسلامی با الهام از شیوه های هنر ساسانی رواج پیدا کرد. در اوایل قرن هفتم هم پس از حمله مغولان و ویرانی شهرها، مجدداً فرهنگ اسلامی در شهرهای ایران جای خود را گرفت و شهرهایی چون سلطانیه و تبریز از نظر شهرسازی از اهمیت ویژه ای برخوردار شدند.

بطور کلی شهرهای اسلامی را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

شهرهای قرون نخست اسلامی، مربوط به دوره ساسانی و غزنوی

شهرهای دوره میانی در دوران سلجوقی و ایلخانی و تیموری

در واقع باید اقرار کنیم در محلات اسلامی ارتباطات و روابط اجتماعی بسیار قوی و غنی هستند. با توجه به سلسه مراتبی هم در ایجاد شهرهای اسلامی به محوریت مسجد صورت می گیرد، عملاً با نقش محوریت و تمرکز مسجد و اجتماع مردم در اکثر مواقع، بخصوص نماز جماعت روزهای جمعه، این مکان نقش تعیت کننده ایی را بازی می کند.

در اینجا به نقش و جایگاه مسجد اشاره شد ولیکن انتظار ما از "فرم" مکان محوریت که در این بحث همان مسجد می باشد چگونه فرمی می تواند باشد؟ در واقع در این بحث و در بحث برنامه ریزی شهر محلات اسلامی و یا شهرهای اسلامی، هدف ایجاد روابط اجتماعی آن فضاهاست و نه شکل هندسی و یا کالبد خاص آن. "فضاهای درون بخش مسکونی باید به ارتباط بین افراد جامعه، بهبود روابط انسانی، به زبان ساده به ملاقات ها و به درد دل یکدیگر رسیدن ها کمک کند. این در حالی است که: در بسیاری از بخشهای مسکونی شهرهای کنونی انگار همه فضاها برای از نقطه ای به نقطه دیگر رفتن است (پور جعفر، ۱۳۷۶). مکتب اصفهان یکی از مکاتب مطرح و مهم دوران اسلامی است که در زمان صفویه به اوج خود می رسد. این مکتب در زمان بزرگانی چون "میرفندرسکی، میرداماد، شیخ بهایی و چند تن دیگر آغاز و با آرای ملاصدرای شیرازی در تمام عرصه های هنر از نقاشی و خط تا معماری و شهرسازی از این عقاید متأثر می شوند. این مکتب برگرفته از "فلسفه" و "حکمت" بوده و فقط بلحاظ مکانی به مکتب اصفهان خوانده می شود ولیکن تا سرزمینهای همجوار هند را تحت نفوذ خود قرارداده و تا آخرین آثار قاجاریه هم می توان تأثیرات او را مشاهده کرد. در مکتب اصفهان که یک بحث کاملاً فلسفی و حکمت می باشد، معماری و شهرسازی دوران صفویه متأثر از این مکتب و ریشه در مبانی نظری این مکتب پیدا می کند.

کالبد در اسلام

کالبد و یا بقولی "فرم حجمی" بنا در اسلام بطور واضح مشخص نشده است. اما در "معنا" و "مفهوم" بنا تاکید بسیاری شده است. مانند مکانی بنام "مسجد" تا در آنجا انسان به خداوند نزدیک شود و تزکیه روح پیدا کند. کالبد یک بنا در ارتباط با معنا و مفهوم آن تعریف شده و معنا دار می شود. مسجد در شکل نهایی خود مناسبترین فضا برای خود شناسی و جامعه سازی می باشد. در آنجا که اسلام انسان را بصورت فطری و استعدادهای او را به صورت جامع و کامل معرفی میکند. "بنابراین مفاهیم مطرح شده در این مکتب همه انسانها را در بر می گیرد و فرا تاریخی و فرا جغرافیایی و در یک کلام انسانی است" (نقره کار، ۱۳۷۶). در رابطه با ارزشها و اصالتهای شهرسازی باید به این نکته اشاره شود که این ارزشها و اصالتها از سیر متعالی انسان ابر گرفته می شود. و در اسلام این ارزش و اصالت از سیر بطرف باری تعالی می باشد، چرا که او (انسان) جانشین خدا در روی زمین است. در عین حال ارزش و اصالت فطری بوده و دائمی و غیر وابسته به زمان، مکان و تاریخ و جغرافیا. کالبدها از آنجا که مادی هستند، وابسته به زمان و مکان اند و فقط به صورت متشابه، رمزی، آیه ای و تمثیلی می توانند برای انسان اندیشمند و دل آگاه معنایی پیدا کنند. کالبدها به صورت نسبی می تواند معنا و مفهومی را تداعی کنند و در مجموع حداکثر، زمینه و وسیله ای متناسب برای سیر و ضرورت متعالی انسان باشد (حداکثر در حد لباس مناسب) و جنبه اعتباری دارند. هر مفهومی و هر ارزشی نظیر مفهوم زیبایی می تواند در بی نهایت شکل ها و کالبدهای متفاوت به صورت نسبی و تمثیلی متجلی شود و نوآوری و خلاقیت و ابداع در این بعد آنها ندارد. به خصوص با توجه به جمیع شرایط زمان و مکان. بنابر این هر مفهوم ثابتی می تواند در بینهایت از کالبدها و اشکال خلاقانه، حکیمانه و بدیع شهر یابد و تجلی کند (نقره کار، ۱۳۷۶).

کعبه نهایت معماری اسلامی

درباره خانه کعبه

این خانه که نام دیگرش بیت الله الحرام است، تاریخچه بسیار مفصلی دارد که مطابق روایات^۲ به زمان حضرت آدم (علیه السلام) برمی گردد. او نخستین کسی بود که خانه را بنا کرد و بر گرد آن طواف نمود، سپس در طوفان نوح ویران شد، و ابراهیم به کمک فرزندش اسماعیل، طبق آیات صریح قرآن بار دیگر آن را بنا کرد و حج خانه خدا به جا آورد و این اولین خانه توحید است که برای انسانها قرار داده شد: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا^۳». طبق روایات در محاذی آن در آسمانها مرکز عبادتی است که فرشتگان بر گرد آن می گردند، حتی گفته شده که محلّ خانه کعبه اولین نقطه خشکی بود که سر از زیر آب درآورد^۴ و داستان «دحو الارض» نیز اشاره به همین معناست که در آغاز، مجموعه روی زمین بر اثر بارانهای سیلابی زیر آب بود؛ آنها کم کم در مناطق پایین تر جای گرفتند و خشکیها از زیر آب سر برآوردند و اولین نقطه، همین محلّ خانه کعبه بود.

عظمت خانه کعبه

درباره عظمت و اهمیت خانه کعبه روایات فراوان - چه در نهج البلاغه و غیر نهج البلاغه - وارد شده است، از جمله در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم: «ما خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بَقْعَةً فِي الْأَرْضِ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْهَا - ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ نَحْوَ الْكَعْبَةِ - وَ لَا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْهَا»؛ (خداوند هیچ نقطه ای در زمین را نیافریده که محبوب تر به سوی او از آن باشد - سپس با دست خود به سوی کعبه اشاره کرد - و نه هیچ نقطه ای نزد خداوند گرامی تر از آن است. در آغاز همین حدیث آمده است: «إِنَّ التَّنْظِرَ إِلَيْهَا عِبَادَةٌ»؛ (حتی نگاه کردن به آن عبادت است)^۵. خانه کعبه، رمز وحدت مسلمین و مرکز دایره صفوف جماعات آنها در شبانه روز، در کلّ جهان است.

خانه کعبه، بزرگترین مرکز اجتماع مسلمین در طول سال و مهمترین کانون عظمت آنهاست که از سراسر جهان به سوی آن می آیند و مشمول برکات فوق العاده معنوی و مادی آن می شوند.

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۸۶

۳- سوره آل عمران، آیه ۹۶

۴- شرح نهج البلاغه خویی، ج ۲، ص ۲۳۵

۵- فروع کافی، ج ۴، ص ۲۴۰

تاریخ و بنای کعبه

خانه کعبه که طراح آن خداوند و مجری آن پیامبران بوده اند، از اولین بناهایست که با دست پیامبران و با اذن خداوند متعال بنا شده است. این بنا که چهار بار بکلی تخریب و مجدداً بازسازی می شود ولیکن از نظر فرمی تغییر شکل پیدا نمی کند و بازهمان شکل "مکعبی" خود را حفظ می نماید. عمده اطلاعات ما در مورد کعبه منابع نویسندگان اسلامی است. فارغ از روایات و منابع اسلامی، گزارش و سند تاریخی چندانی مربوط به پیش از اسلام در مورد این بنا در دست نیست.

بنیانهای ساختمان کعبه

درفران کریم در مورد کعبه گفته شده است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران) بنابر گفتار تاریخ نگار اسلامی، آزرقي، ساختمان کعبه ۱۰ بار بنیان شده است. به این ترتیب:

- ۱- بنیان الملائکه
- ۲- بنیان آدم
- ۳- بنیان شیث
- ۴- بنیان ابراهیم و پسرش اسماعیل
- ۵- بنیان العمالقه
- ۶- بنیان جرهم
- ۷- بنیان مضر
- ۸- بنیان قریش
- ۹- بنیان عبدالله ابن زبیر
- ۱۰- بنیان حجاج ابن یوسف الثقفی

این سازه تا پیش از گشودن شهر مکه به دست محمد و پیروانش، محل نگهداری و پرستش بتها بوده است. قبیله قریش در اطراف کعبه بت‌های مختلفی قرار داده بودند، مانند: لات، عزی، اسافه، نائله، منات و ... بزرگ این بت ها هبل بود.

در دوره بعد از اسلام کعبه چهار بار به کلی ویران شده و از نو بنا شده است. دو بار اول به سده اول هجری بر می گردد. در جریان جنگ هایی که بین امویان و عبدالله بن زبیر فرماندار وقت مکه صورت می گرفت کعبه دو بار ویران شد. بار اول آتش گرفت و بار دوم توسط سپاهیان حجاج بن یوسف با منجنیق سنگ باران شد. سومین تخریب مکه به ۹۳۰ میلادی بر می گردد که طایفه قرامطه - که از شیعیان اسماعیلی بودند- به مکه حمله کردند و حجاج را قتل عام کردند و چاه زمزم را با جنازه های کشتگان پر کردند. آنان حجرالاسود را ربودند و با خود به شهر احسا - در شرق عربستان- بردند. تخریب چهارم کعبه در نتیجه سیلی بود که در سال ۱۶۲۹ میلادی رخ داد. پس از آن سلطان مراد چهارم ساختمان کعبه را با سنگ های گرانیته از نو بنا کرد که این ساختمان تا عصر حاضر به جا مانده است.

ساختمان کنونی کعبه از زمان حجاج بن یوسف ثقفی و بازسازی همان ساختمان در دوران خلافت سلطان مراد چهارم از پادشاهان عثمانی است که در سال ۱۰۴۰ قمری در اثر سیل در مسجد الحرام و تخریب آن، از نو بازسازی گردید. این ساختمان استحکام کامل دارد، بطوری که تاکنون به همین شکل پابرجا و استوار مانده است.^۶

مشخصات هندسی خانه کعبه

کعبه روی یک قاعده ۲۵ سانتی متری از جنس سنگ مرمر بنا شده که به اندازه ۳۵ سانتی متر جلوامدگی دارد. ارتفاع آن حدود ۱۳/۱ متر، با طول و عرض ۱۲/۸۶ در ۱۱/۳ متر است. در بعضی منابع جزئیات اضلاع کعبه به این شکل بیان شده است

- طول ضلع در کعبه، یعنی از رکن حجر اسود تا رکن عراقی: ۱۱/۶۸ متر

⁶ Creative Commons Attribution/Share-Alike.htm://Fierfox HTML,Document

- طول رکن عراقی تا شامی، سمتی که حجر اسماعیل در آن قرار دارد: ۹/۹۰ متر
- طول رکن شامی تا رکن یمانی: ۱۲/۰۴ متر
- طول رکن یمانی تا رکن اسود: ۱۰/۱۸ متر

چرا خانه کعبه مکعب ساخته شد؟

این سؤال است که هیچگاه دغدغه زائر و یا مسلمانی که سالها بطرف او نماز خوانده است نبوده و حتی در خیلی از مواقع به ذهن انسان نیز خطور نمی کند. آیا سادگی و صلابت ساختمان کعبه است؟ آیا ترس از غضب خداوندی می باشد؟ آیا انرژی مثبتی است که از آن به انسان مسلمان هدایت می شود؟ در واقع آیا هیچوقت از خود پرسیده ایم که چرا پیامبران ما بعد از چهار بار تجدید بنا فرم دیگری را بنا نکردند؟ و چرا از همان ابتدا حضرت ابراهیم (ع) فرم دیگری را برای خانه خدا انتخاب نکرد؟ و آیا هرگز از خود پرسیده ایم که آیا معماری اسلامی واقعی می تواند همین شکل مکعبی باشد؟ ما در گذشته اتشکده های باقیمانده را به مسجد و خانه خدا تبدیل کردیم. هر بنای ساده ای را که مجهز به کنبه و مناره نبود در خور شخصیت مسجد و یا مکان اسلامی ندانستیم در حالی که خانه خدا یک مکعب بی غل و غش و ساده به تمامی معنا قبله گاه مسلمانان جهان با تاثیر بسیار زیاد بر تعادل و آرامش انسان می باشد.

چهار ضلعش بر چهار وجه انسان منطبق شده و در او ایجاد سکون می کند و بر برآیند محورها و قطرهای آن نیز به صفر می رسد و هیچ گونه جاذبه حرکت ایجاد نمی کند و می تواند انسان را در کانون فضا کاملا آرام نگه دارد (نقره کار، ۱۳۷۶).

در معماری نیز حجم مکعب و پلان مربع، از هندسه های خالص بشمار می آیند. مربع از جمله اشکال هندسی منظمی است که در ایجاد یک فضای تعادل می تواند بهترین طرح و نقشه معماری را ایجاد نماید. در معماری اسلامی که امروزه کنبه یک فضای اصلی و نشانه فضای اسلامی می باشد بر مبنای یک طرح هندسی مربع شکل بنا می گردد. مبنای یک نیکره باز هم یک مربع قرار می گیرد. در دوره ساسانی نیز تقریباً تمامی اذر کده ها بر مبنای یک مکعب ساخته و کنبه ای را بر روی آنها بنا کرده اند: مصلای یزد، حیدریه قزوین، نیاسر (کاشان)، فیروزآباد، اتشکوه (دلیجان)، بازه هور (مشهد).

تعالی و یگانگی در فضای اسلامی

در جهن بینی اسلامی تمامی تلاش بر سوق دادن انسان بسوی احد واحد بوده و شکل و فرم فضا وسیله ایست برای نزدیک شدن به اوست (ذات الهی). در ملاحظاتی فطری طبیعی، آدمی را از "خود" و "خودی خود" جهشی همراه با "نگرش" و با "عاطفه و رابطه" به سوی عالم و آدمیان، و رویدادهای دنیای زندگان می بخشد که در همان "عاطفه و رابطه" خیر طلبی و جمال خواهی، بیش از همه مقصد و مقصود هستند. حاصل آن هنر، سعادت فرد و جامعه انسانی خواهد بود (ذوالفقارزاده، ۱۳۷۹). در واقع هنر در اسلام در راستای تعالی تعریف می شود و این انسان است که با بهره گیری از عقلانیت و منطق خود آن را به شکا و یا فرم تبدیل می کند. اگر بخواهیم در گفتارمان وضوح بیشتری داشته باشیم، باید اینطور عنوان کنیم که هر فضایی؛ معماری و یا شهری، در هر مکانی؛ در اروپا و یا در آسیا و در هر زمانی؛ در گذشته، حال و یا آینده، می تواند فضای اسلامی باشد مشروط بر اینکه در آن فضا انسان به تعالی، آرامش، نگرش اجتماعی و کرامت والای انسانی برسد.

هنر اسلامی تماماً قانونمندی، وضوح، سلسله مراتب و فرم بلورین است. هنر اسلامی دراصل توحید، یعنی تسلیم در برابر یگانگی خدا، و شهود آن حاصل می شود. جوهر توحید در ورای کلمات قرار دارد و خود را در قرآن به واسطه بارقه های گوناگونی و منقطع متجلی می سازد. این بارقه ها در ساخت تخیل بصری در صور بلورین تبلور می یابد، و این صور هستند که به نوبه خود جوهر هنر اسلامی را پدید می آورند (همان).

با توجه به اینکه معماری و شهرسازی از ارکان هنر محسوب می شوند و نگاه اسلام به هنر اسلامی در خدمت مردم بودن آن هنر است، نقوش، اشکال و رنگها در معماری و شهرسازی نشانه بارزی برای القای معانی پنهان هستند و مخاطب از طریق حضور در این فضاها ره درک مستقیم آن معانی دست می یابد. لذا نقوش، اشکال و فرمهایی که امروزه به نام اسلام مطرح می شوند حامل معنایی می شوند که در "معانی" و "مبانی نظری" اسلام تعریف شده است. اسلام در واقع دعوت به یک عقیده و دعوت به یک اندیشه است، از این رو قرآن کریم همواره دعوت به تعقل و اندیشیدن می کند و از اصل تقلید در اندیشه و عقیده پرهیز می دهد (آصفی، ایمانی، ۱۳۹۱). با توجه به داشتن معیارهای قوی و مبانی نظری انسانگرا، می توان به اشکال و احجام برگرفته از اندیشه اسلامی دست یافت. معماری و شهرسازی اسلامی روابط اجتماعی وحدت بخش و امن تعریف می شود، در حالی که قبل از اسلام جامعه فرهنگی که در مدینه رواج داشت؛ فرهنگ جهالت، تعصب مفرط، کثرت و قبیله گرایی حاکم بود. پس از حضور پیامبر اکرم (ص)، شرایط فرهنگی شهر

مدینه دگرگون شد و برای از بین بردن اختلافات بنیادین بین طوایف و قبائل گوناگون، توجه خاصی را به آنها مبذول داشت. راهکارهای پیامبر جهت دستیابی به فرهنگ اسلامی ناب در شهر مدینه بود(عطایی همدانی، حمزه نژاد، نقره کار، ۱۳۹۰).

وضع موجود پیش از اسلام	مبانی محیطی (طبیعی)	موضوع شناسی زمین	کوه ها و دره ها
		جغرافیای گیاهی و منابع آبی	نخلستان ها، چاه ها و وادی ها
			روستاها، بازارها، اطم ها، سقیفه ها، مکتب خانه ها
	گونه شناسی فرهنگی و اجتماعی		اعراب اولیه، یهودیان و مشرکان (اوس و خزرج)



مبانی اسلام	مبانی نظری	قرآن و حدیث
	سنت عملی	سیره نبوی

عوامل موثر بر مکانیابی مسجد در شهر مدینه، که در این جدول می توان مبانی نظری اسلام را در شهر نیز ترسیم کرد(همان).

نتیجه گیری

در باره اندیشه اسلامی در فضاهای معماری و شهرسازی بسیار می توان نوشت. ولی آن چیزی که امروز جامعه اسلامی را بخود مشغول داشته است "فرم" و "شکل" در آثار اسلامی می باشد. در آثار و بناهای نسبت داده شده به اسلام و یا فضاهای اسلامی، همواره به فرم بیشتر تاکید می شود تا به معنا و اثرگذاری آن بر انسان. در حالی که در مبانی نظری اسلامی همیشه محتوی و معنایی یک فضا مد نظر می باشد. در قرآن کریم و یا در نهج البلاغه و یا حتی در احادیث نبوی، اشاره به شکل و فرم فضا نمی شود بلکه به تاثیر گذاری، امنیت، انسان ساز و جامعه ساز بودن فضاها تاکید گردیده است. در آثار اسلامی که قرآن کریم و نهج البلاغه در راس آنها قرا می گیرند، هدف از ایجاد شهر و خانه را، پناهگاهی امن و فضایی مطمئن در ایجاد آرامش و نظم اجتماعی قلمداد می کند. در مقابل مخالفت و دشمنی با شهرهایی که فساد اجتماعی در آنها بیدار می کند، خداوند را خشمگین و آنها را تهدید به تخریب و واژگونی می نماید: چه شهرها و آبادیهای بسیاری را به سبب تجاوز و گناهان اهلیش نابود کردیم... (الاعراف، ۴)، هیچ پیامبری را به شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی ها گرفتار کردیم ۷ تا بسوی خدایابیند و به درگاهش تضرع و زاری کنند(الاعراف، ۹۴). و چه بسیار مردمانی را بخاطر ظلمشان نابود کردیم و بجایشان اقوام دیگری نشاندیم(النبیاء، ۱۱). و چندین آیه دیگر که بطور مداوم انسان را به کناره گیری از بزه کاری و ظلم و ستم و ایجاد نا امنی در شهرها هشدار داده و به کیفیت زندگی بهتر نه ساختمان و یا شهری با شکل و فرمی آنچنانی تشویق کرده است. اگر بخواهیم بطور کلی منظور قرآن کریم را از معماری و شهرهای امروز در یک جمله خلاصه نمائیم، باید چنین بیان کنیم که: شهر اسلامی و یا معماری و شهرسازی اسلامی در حقیقت معنا نهفته شده و شکل و فرم می تواند برگرفته از این معانی الهی باشد، ولیکن الزامی در شکل و فرم نیست اگر "معنا" و "مفهوم" اسلام در فضا تنیده شود.

منابع

- ۱- هوگ، ج، مارتن. هانری، ۱۳۷۵، سبک شناسی معماری در سرزمینهای اسلامی، ترجمه پرویز ورجاوند.
- ۲- هیلن براند، رابرت، ۱۳۷۷، معماری اسلامی، ترجمه ایرج اعتصام.

^۷- در اینجا منظور مترجم، بصورت ترجمه تحت الفظی آمده است. در واقع خداوند متعال کسی را به عذاب و گرفتاری نمی اندازد مگر اینکه خود او تمایل به چنین کار داشته باشد.

- ۳- پور جعفر محمد رضا، ۱۳۷۶، تحلیلی پیرامون واحدهای همسایگی در غرب و محله ها در شهرهای اسلامی، کنفرانس شهرها و مردم، دانشگاه تبریز.
 - ۴- پور جعفر محمد رضا، ۱۳۷۶، نقش و جایگاه مسجد در برنامه ریزی و طراحی محله های شهرهای اسلامی، همایش معماری مساجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
 - ۵- عطایی همدانی م. حمزه نژاد م. نقره کار ع. ، ۱۳۹۰، بررسی و الگو شناسی مکان یابی مساجد عصر نبوی در مدینه، نشریه علمی-پژوهشی باغ نظر، تندیس نقره ای.
 - ۶- نقره کار محمد رضا، ۱۳۷۶، معماری مسجد از مفهوم تا کالبد، همایش معماری مساجد؛ گذشته، حال، آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
 - ۷- ذوالفقارزاده حسن، ۱۳۷۹، روح و وحدت، همایش بین المللی معماری مساجد- افق آینده، دانشگاه هنر، ۱۳۷۹.
 - ۸- آصفی مازیار-ایمانی الناز، ۱۳۹۱، چالشهای فناوری های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش های معماری اسلامی ایران، نشریه علمی-پژوهشی باغ نظر، تندیس نقره ای.
-

تأملی بر مسایل و مشکلات شهرهای جدید با تأکید بر شهر جدید رامشار (زابل)

خدارحم بزی

دانشیار گروه جغرافیا- دانشگاه گلستان

Email:kh.bazi@yahoo.com

چکیده

گسترش شهرنشینی، توسعه شهرهای موجود، ظهور شهرهای جدید و وقوع تحولات عمیق در سیما و کالبد شهرها از جمله مهمترین رویدادهای دو قرن اخیر محسوب می شوند. نتیجه آشکار انقلاب صنعتی و رشد اقتصادی مبتنی بر سرمایه در کشورهای غربی، وقوع چنین رویدادی بوده و این رخداد پس از رواج صنعت و توسعه شیوه سرمایه داری به سایر سرزمین ها از جمله کشورهای توسعه نیافته نیز راه یافت. بدون تردید پدید آمدن تراکم جمعیتی ناشی از شیوه جدید زندگی، بر کلیه جنبه های حیات فردی و اجتماعی مردمان تأثیرات شگرفی داشته و دست اندرکاران امر را در حوزه های عمل و تئوری مشغول خویش ساخته است. همایش ها و سمینارهای مختلفی که در این زمینه برگزار شده و می شوند، شاهی بر اهمیت مسأله و تلاشی در جهت ارائه راهکارهای جدید و حتی اصلاحاتی کلی در امر شهرسازی و شهرهای جدید است. این مقاله با مطالعه و آنالیز مسایل و مشکلات شهرهای جدید و ویژه بررسی موردی شهر جدید رامشار در مجاورت شهر زابل به کنکاش در زمینه تنگناهای شهرهای جدید و وضعیت این شهر و آرایه راهکارهای لازم پرداخته است.

واژگان کلیدی: شهرهای جدید، مسایل و مشکلات، شهر جدید رامشار.

مقدمه

با توجه به رشد روز افزون جمعیت کشور ایران و اینکه اکثر جمعیت فعلی آن از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ مهاجرت می کنند و این موضوع یکی از مشکلات شاخص کشورهای جهان سوم از جمله ایران می باشد، یعنی شکلی از شهرگرایی در بین مردم روستاها و شهرهای کوچک ایران و بخصوص جوانان مطرح می باشد که اکثراً در جهت پیدا کردن شغل مناسب و دستیابی به امکانات رفاهی شهری و به طور کلی دستیابی به خدمات شهری، دست به مهاجرت به شهرها می زنند. این گونه مهاجرت ها به شهرها، دولت را مجبور به سرمایه گذاری در بخش خدمات شهری کرده و عملاً سهم سرمایه گذاری در بخشهای تولیدی مثل بخشهای کشاورزی و صنعتی را کاهش داده است و باعث شده تا دولتها به فکر ایجاد شهرهای جدید در مناطق مختلف بیفتند، یعنی به نوعی شهرهای جدید را حلال مشکلات روز افزون کلان شهرها دانسته و این را بهترین راه حل دانسته و در ایجاد آنها اهدافی را نیز دنبال کرده اند، از جمله جذب سر ریز جمعیت شهرهای بزرگ و ایجاد فرصتهای شغلی جدید، حل مشکلات ترافیکی و مشکلات مربوط به نحوه توزیع خدمات شهری در بین ساکنان شهرها و سایر موارد مورد نظر برنامه ریزان شهری که به آنها در این موارد میتواند کمک کننده باشد. برای دستیابی به چنین هدفی باید از ابتدا مطالعات دقیق در مورد وضعیت و شرایط فعلی انسانی و طبیعی منطقه صورت گیرد تا با توجه به استعدادهای بالقوه و بالفعل این گونه مناطق در جذب جمعیت شهری آن اقدامات لازم را انجام دهند.

مبانی نظری ایجاد شهرهای جدید

شهر جدید یک پدیده جدید اجتماعی- انسانی است که توسط دولت و با مشارکت مردم و از طریق مدیریت منطقه ای احداث می گردد. از این روست که نسبت به شهرهای بزرگ متروپل، کنترل و برنامه ریزی شده تر، است.

امروزه شهر جدید حاکی از واقعیت های مختلفی بوده و پدیده ای است که سابقه طولانی نیز دارد، که از آن جمله می توان به شهرهای جدید عهد باستان معروف به «پلیس جدید» اشاره نمود که مثلاً توسط سن لویی (Saint Louis) در دوران جنگ های صد ساله در ورسای، روش سوربون (Roche-Sur-Yon) ساخته شده اند. شهرهای جدید به منظور نشان دادن راهی به سوی آینده ای درخشان تر برای بریتانیا پس از تخریب و نابودی آن بعد از دو جنگ جهانی تأسیس شدند. همچنین تجربه شهرهای جدید نشان داده است که رشد و پیشرفت فرهنگی بریتانیا در این شهرها نسبت به سایر مناطق بیشتر بوده است (کربلایی نوری، ۱۳۸۳: ۵۸). مفهوم شهرهای جدید برای اولین بار در اواخر قرن ۱۹ توسط «ابنزر هوارد» (Ebenezer Howard) در خصوص باغشهرهای انگلستان به منظور اهداف سیاسی مطرح گردید. مادر شهرهای دوران صنعت با شرایط ناسالمی که برای زندگی عرضه می داشتند و با زشتی و رشد بی قاعده خود ابنزر هوارد (۱۸۵۰-۱۹۲۸) را به هراس افکنده و او را واداشت تا به ایجاد شهرهای جدید بپردازد (امیر یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۱۲۵). برازیلیا یک نمونه کامل از شهر جدید است که پس از هوارد طراحی شد. شهرهای جدید در اروپای شرقی و سیبری برای توزیع جمعیت اضافی و یا در استکپلم به منظور کنترل رشد جمعیت بعد از موارد فوق، از اهمیت خاصی برخوردار شدند (ربانی، ۱۳۸۱: ۸۱).

با وجود این جنبش باغ شهر به بریتانیا محدود نبوده و بسیاری از کشورهای دیگر نیز دست به این کار زدند، برخی خود به احداث شهر جدید همت گماشتند، نظیر ایالات متحده و هند. در فرانسه نیز خیلی زود یعنی در سال ۱۹۰۳ «انجمن باغ شهر» به وجود آمده که رهبری آن را ژرژ بنوا-له وی (Georges Benoit-Levy) به عهده داشت (روبنستاین، ۱۳۸۴: ۷۳).

سابقه ایجاد شهرهای جدید در ایران

سیاست احداث و توسعه شهرهای جدید در کشور بر اساس مطالعات مهندسی و دانش نوین و به دور از دیدگاه مکتب جبر در نظر گرفته شده و به طور کلی برای کاهش فشار جمعیتی و اقتصادی در شهرهای بزرگ به اجرا در آمده است (مستوفی الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

طرح ایجاد شهرهای جدید از سال ۱۳۶۴ مطرح و اولین آنها در سال ۱۳۶۵ طراحی و اجرای آنها از همین سال آغاز گردید. همواره ضرورت ایجاد شهرهای جدید در رابطه با افزایش جمعیت شهرهای بزرگ مطرح بوده است (مجتهد زاده، ۱۳۸۲: ۱۵۵). پیش از پرداختن به سابقه و برنامه ریزی شهرهای جدید به مفهوم و الگوی امروزی آن در ایران به طور اجمال، به روند و تحولات برنامه ریزی و طرحهای شهری اشاره می گردد، سپس سابقه ایجاد و مشخصات و دلایل آنها بررسی میشود.

شهرهای جدید براساس وسعت، فاصله، جمعیت، نوع و سطح فعالیت اقتصادی در سه طبقه کلی قرار می گیرند: ۱- شهرهای جدید مستقل؛ که در فاصله ای از شهرهای بزرگ ساخته می شوند و سفرهای روزانه را به شهرهای بزرگ تشویق نمی کنند. ۲- شهرهای جدید اقماری؛ اجتماعهای برنامه ریزی شده ای در درون حوزه کلان شهرها هستند که با شهر مرکزی پیوندهای مستحکمی را حفظ می کنند. ۳- شهرهای جدید پیوسته؛ نوعی از شهرها و شهرکها هستند که برای توصیف شهرهای جدید که در محدوده شهرهای موجود احداث می شوند به کار می روند (موسی کاظمی، ۱۳۸۳: ۹۲). گفتنی است که شهر جدید رامشدر در زمره شهرهای مورد اول می باشد. سابقه احداث شهرهای جدید به سبک و مفهوم امروزی آن در کشور ایران چند دوره مشخص و متمایز را به شرح زیر طی کرده است.

۱) در فاصله بین جنگ جهانی دوم - به صورت ایجاد شهرهای سیاسی - نظامی، اقتصادی و در مجاورت شهرهای بزرگ، مانند زاهدان و نوشهر. ۲) پس از جنگ جهانی دوم تا اواسط دهه ۱۳۴۰ - به صورت ایجاد نفت شهرهای بزرگ و کویهایی برای آرایه مسکن به کارکنان صنعت نفت، مانند آبادان، مسجد سلیمان، آغا جاری، مس سرچشمه و غیره. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳: ۱۵۳).

۳) از دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۷ - به صورت شهرهای جدید صنعتی برای اسکان شاغلان بخش صنایع و قطب های رشد. اما پس از انقلاب این شهرها به عنوان یکی از راهبردها و الگوهای توسعه شهری در جهت جذب سرریز جمعیتی شهرهای بزرگ و اسکان جمعیت های مهاجر طراحی و احداث شده است. از نمونه های بارز این راهبردها در پیش از انقلاب می توان از کرج و شهرهای اطراف در ارتباط با تهران، شاهین شهر در ارتباط با اصفهان نام برد. پس از انقلاب حدود ۲۸ شهر جدید بر اساس ضوابط وزارت مسکن شهر سازی در اطراف شهرهای بزرگ طراحی و احداث شده اند و یا در حال احداث میباشند (زیاری، ۱۳۷۹: ۶).

پس از تأسیس شرکت عمران شهرهای جدید، بررسی های اولیه، مکانیابی، طراحی و برنامه ریزی و احداث شهرهای جدید آغاز و تا کنون ۲۵ طرح در شورای عالی شهر سازی و معماری ایران به تصویب رسیده است. جدول شماره ۲ مشخصات کلی این شهرهای جدید را نشان می دهد (بدری، ۱۳۸۳: ۲۰۵).

جدول شماره ۱: مشخصات کلی شهرهای جدید در ایران

ردیف	شهر مادر	نام شهر جدید	فاصله تا شهر مادر km	مساحت پیش بینی شده به هکتار	جمعیت پیش بینی شده به هزار نفر در سال ۱۳۹۰	اراضی تفکیک شده به هکتار در شهرسازی	تصویب در شورایعالی شهرسازی
۱	تهران	هشتگرد	۶۵	۴۰۰۰	۵۰۰	۳۸۰۰	تصویب شده
۲		پرند	۴۵	۳۴۰۰	۳۰۰	۲۳۰۰	تصویب شده
۳		آب انجیرک	۳۵	۳۰۰۰	۳۰۰	-	تصویب شده
۴		زاویه	۵۰	۲۰۰۰	۲۰۰	-	تصویب شده
۵		اشتهارد	۷۰	۳۰۰۰	۳۰۰	-	تصویب شده
۶		اندیشه	-	۱۰۰۰	۱۰۰	۱۰۰۰	تصویب شده
۷	اصفهان	بهارستان	۱۵	۲۳۰۰	۳۰۰	۲۳۰۰	تصویب شده
۸		مجلسی	۸۰	۷۰۰۰	۷۰۰	۷۰۰۰	تصویب شده
۹		فولادشهر	۳۰	۷۰۰۰	۷۰۰	۵۰۰۰	تصویب شده
۱۰	مشهد	گلبهار	۴۰	۴۰۰۰	۴۰۰	۳۵۰۰	تصویب شده
۱۱		بینالود	۴۵	۴۰۰۰	۴۰۰	-	تصویب شده
۱۲	اراک	مهاجران	۲۸	۷۰۰	۷۰	۴۵۰	تصویب شده
۱۳	بوشهر	عالمشهر	۲۵	۴۰۰۰	۴۰۰	۱۰۰۰	تصویب شده
۱۴	بندرعباس	علوی	۵۵	۳۰۰۰	۳۰۰	۳۰۰۰	تصویب شده
۱۵	تبریز	سهند	۲۰	۷۰۰۰	۷۰۰	۳۶۰۰	تصویب شده
۱۶	شیراز	صدرا	۱۵	۴۰۰۰	۴۰۰	۴۰۰۰	تصویب شده
۱۷	همدان	ویان	۲۰	-	-	-	تصویب شده
۱۸	ارومیه	-	۲۰	۲۰۰۰	۲۰۰	۲۰۰۰	تصویب شده
۱۹	اهواز	ملائانی	۳۵	۳۰۰۰	۲۴۰	-	تصویب شده
۲۰	زابل	رامشار	-	۱۰۰۰	۷۰	-	تصویب شده
۲۱	چابهار	طیس	۳۰	۱۰۰۰	۵۰	-	تصویب شده
۲۲	مازندران	توسان	۲۵	۸۰۰	۱۰۰	۸۰۰	تصویب نشده
۲۳	یزد	-	۲۵	۲۰۰۰	۲۰۰	-	تصویب نشده
۲۴	اراک	امیرکبیر	۵۰	۳۰۰۰	۱۰۰	۱۸۰۰	تصویب شده
۲۵		محور فراهان	۲۵	۳۰۰۰	۱۰۰	-	تصویب شده

مأخذ: بدری فر، ۱۳۸۳: ۲۰۵.

تاکنون از مجموع شهرهای جدید مصوب، ۱۸ شهر جدید به مرحله احداث و جذب جمعیت رسیده‌اند و ۱۲ شهر جدید دیگر در مراحل مطالعات یا اجرای مقدماتی طرح قرار دارند (طلاچیان ۱۳۸۴: ۱۴). طبق پیش‌بینی و برنامه‌ریزی‌های انجام شده، قرار است در افق سال ۱۴۰۰ حدود ۳/۵ میلیون نفر در شهرهای جدید ساکن شوند. تاکنون حدود ۳۰۰ هزار نفر در واحدهای مسکونی ساخته شده استقرار یافته‌اند و جمعاً حدود ۱۵۰ هزار واحد مسکونی ساخته شده و یا در حال ساخت است. (www.uan.com).

اهداف عمده از ایجاد شهرهای جدید

- جان سامر (John W. Sommer) (۱۹۷۵) می گوید: زمانی می توان آینده را دید که بتوان زمان حال را بهتر شناخت (شکویی، ۱۳۷۲: ۲۱۴). بر همین اساس مهمترین اهداف از ایجاد شهرهای جدید با نگاه به آینده عبارتند از:
- ۱- جلوگیری از توسعه بی رویه و کلانشهر شدن مادر شهرها.
 - ۲- انتقال کارگاهها از مادر شهر به شهر جدید.
 - ۳- جذب سرریز جمعیت با ایجاد کانونهای اشتغال در شهر جدید.
 - ۴- جلوگیری از بالا گرفتن قیمت زمین در مادر شهر و بورس بازی زمین به علت توسعه نامحدود شهر.
 - ۵- پالایش مادر شهر برای سازماندهی و توسعه آن به شکل منفصل.
 - ۶- کاهش هزینه رفت آمد از مادر شهر به مناطق صنعتی اطراف شهرهای بزرگ و حذف زمان تلف شده کارکنان مناطق صنعتی مذکور وجابجایی ساکنان به علت وسعت شهرهای بزرگ (زیاری، ۱۳۷۹: ۹۷).

آنالیز مسایل و مشکلات شهر جدید رامشار

- وجه تسمیه شهر جدید رامشار

در انتخاب نام شهر جدید رامشار در سیستان، آنچه که هویت این سرزمین را منعکس میسازد، مدّ نظر قرار گرفته است. نام عناصر طبیعی به خصوص شریان حیاتی رود هیرمند و انشعابات آن به دلیل تأثیر عمیق و غیر قابل انکارشان بر سرنوشت ساکنین سیستان از اهمیت ویژه برخوردار بوده است. در عین حال عناصر تاریخی نیز که بر پهنه این دشت گسترده شده اند و نشان از تاریخ کهن این سرزمین دارند به کمک گرفته شده اند. رام رود که در فاصله نه چندان دور از اراضی شهر جدید قرار داشته دیرزمانی، شهرهای باشکوهی همچون رامشارستان را برکنار خود شکل داده است. با تغییر دلتای رود هیرمند و خشک شدن رام رود طومار زندگی ساکنین شهر نیز درهم می پیچد تا آنجا که این شهر در قرن چهارم هجری در زیر شنهای روان مدفون می گردد. به یادمان رامشارستان و دیگر شهرهای با عظمتی چون شهر سوخته و شهر کاخ، رامشار قامت برخواهد افراشت.

در زبان فارسی کلمه شهر از لغت شار یا شارستان (Sharistan) گرفته شده است (مستوفی الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۹). بنابر این نام این شهر از کلمه شار و شارستان گرفته شده است و شهرستان همان شارستان است که بخشی از محل تمرکز و سکونت و اجتماع شهرنشینان قدیم بوده است (رضوانی، ۱۳۸۲: ۹). از آنجایی که شهرها از طریق تمرکز جغرافیایی مازاد اجتماعی محصول (در اینجا ناشی از رود هیرمند) که یک شیوه انتگراسیون (باز تولید) اقتصادی قادر به تولید متمرکز آن است، شکل می گیرند. پیدایش شهرها در این منطقه نیز از این فرایند تبعیت می کند (هاروی، ۱۳۷۹: ۲۳۰).

دلایل و اهداف ایجاد شهر جدید رامشار

در راستای سیاستهای دولت در زمینه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه سیستان که عمدتاً با سرمایه گذاری در بخشهای زیربنایی، اجرای طرحهایی در زمینه غلبه بر موانع و محدودیتهای طبیعی و بطور کلی فراهم آوردن امکان استفاده بهینه از آب رودخانه هیرمند مشخص میگردد، طرح منطقه ای سیستان به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری کشور رسید. بر اساس این طرح، با توجه به زمینه های رشد و توسعه ای که در نتیجه اجرای طرحهای زیربنایی و عمرانی پیش بینی شده، جمعیت شهری منطقه در سال ۱۳۹۰ به رقمی حدود ۳۲۰ هزار نفر بالغ می گردد. این رقم با توجه به حداکثر ظرفیت پذیرش شهر زابل (۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار نفر) چشم انداز روشنی در رابطه با انتخاب نقاط جدید به عنوان مراکز شهری آینده پیش رو قرار می دهد. بر همین اساس پس از مطالعات گسترده مکان شهر جدید رامشار در حاشیه محور ارتباطی زابل- زاهدان و در مجاورت شهر باستانی سوخته به عنوان منطقه مستعد، جهت احداث شهر جدید در نظر گرفته شد، که موقعیت ممتاز جغرافیایی و ارتباطی این شهر و قرارگیری بر روی اراضی بایر و دولتی و امکان دستیابی به تأسیسات زیر بنایی، مشابهت های اقلیمی بین این منطقه و سایر نقاط موجود و بالاخره پشتوانه های تاریخی و فرهنگی را میتوان به عنوان عوامل تعیین کننده در انتخاب شهر جدید رامشار قلمداد نمود. به علاوه برخلاف شرایط کلی حاکم بر منطقه، شهر جدید رامشار شاید تنها نقطه سکونتی باشد که از این قاعده مستثنی بوده و در انتخاب محل آن براساس اصل انتخاب مرتفع ترین اراضی منطقه برای جلوگیری از هجوم

سیل و طغیان رودخانه مطرح بوده است. از سوی دیگر شهر جدید رامشار از نقطه نظر عملکردی نیز بعد از شهر زابل در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و خدماتی عمل خواهد نمود.

ویژگی های جغرافیائی شهر جدید رامشار

موقع جغرافیایی شهر با مجموعه ای از داده های طبیعی اقتصادی و انسانی موجود در ناحیه ای که شهر در آن تکوین یافته مشخص می شود. به عبارت دیگر موقع جغرافیایی شهر، بیانگر وضعی است که شهر می تواند نسبت به طرق ارتباطی، راهها و معابر طبیعی، حتی نسبت به مواد اولیه، منابع انرژی و نیروی انسانی موجود در ناحیه، داشته باشد (احمدی، ۱۳۷۲: ۳۳۷).

اراضی در نظر گرفته شده برای شهر جدید رامشار در دشت سیستان و فاصله تقریبی ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی شهر زابل قرار دارد. محور ارتباطی و اصلی زابل- زاهدان از مجاور اراضی شهر جدید رامشار می گذرد. مساحت اراضی در نظر گرفته شده برای ایجاد شهر جدید حدود ۶۰۰ هکتار است که دارای ارتفاع متوسط حدود ۴۹۵ متر از سطح دریا می باشد. از آنجا که محدوده مطالعات راهبردی شهر جدید رامشار بر محدوده سیستان (شهرستان های زابل و زهک) منطبق است، بررسی شرایط جغرافیایی موجود نیز در محدوده مطالعات طرح منطقه ای سیستان صورت گرفته است.

۱- ویژگی های طبیعی و اقلیمی

از نظر زمین شناسی منطقه سیستان دنباله بلوک هلمند به حساب می آید که بخش عمده آن در خاک افغانستان واقع شده است. صرف نظر از یک لایه سطحی چند متری درشت دانه در اطراف چاه نیمه، بقیه رسوبات دانه ریز می باشند که از سطح به عمق و از جنوب شرق به شمال غرب ریز دانه تر می شوند. وجود نواحی سخت و محکم در زیر رسوبات دشت، موجب شده که منطقه تحت تأثیر حرکات تکوینی قرار نگرفته و کانون های فعال زلزله در آن بوجود نیاید. این پدیده همراه با پر شدن تدریجی گودال موجب شده با سرزمین همواری مواجه باشیم که در تمامی وسعت آن اختلاف ارتفاع به زحمت از ۱۳۰ متر تجاوز نماید (بلندترین نقطه در کوه خواجه حدود ۶۰۰ متر و پست ترین نقطه در بستر هامون حدود ۴۷۰ متر ارتفاع دارد). این منطقه دارای شیب بسیار ملایم (۱/۲۵۰) از جنوب شرق بطرف شمال غرب می باشد.

منطقه سیستان تحت سیطره اقلیم گرم و خشک قرار دارد، متوسط درجه حرارت سالانه آن به ۲۱/۸ درجه می رسد. اما در یک دوره ۱۵ ساله حداقل و حداکثر مطلق آن تا ۱۲- درجه (در دیماه) و ۴۹ درجه (در تیر و مرداد) نیز رسیده است. به علاوه این منطقه یکی از کم بارانترین نواحی دارای سکنه کشور محسوب می شود. بارندگی متوسط سالانه آن به ۵۸/۷ میلیمتر بالغ می شود ولی در یک دوره ۲۵ ساله از ۱۷/۱ میلیمتر (در سال آبی ۵۰-۴۹) تا ۱۲۲/۷ میلیمتر (در سال آبی ۶۰-۵۹) تغییر نموده است. بخش اعظم باران منطقه در یک ماه (دی) و در مواردی حتی در یک روز می بارد. میزان تبخیر سالیانه آن بسیار بالاست و بطور متوسط به ۴۷۷۵ میلیمتر در سال بالغ می گردد. در سال کم آبی ۵۰-۴۹ میزان تبخیر بسیار افزایش یافته و تا ۵۶۸۰ میلیمتر رسیده است. منطقه سیستان میان کانونهای نسبی پر فشار در شمال شرق و کانونهای نسبی کم فشار در جنوب شرق کشور قرار گرفته و وزش باد های آن شدیداً متأثر از این فعل و انفعال هاست. بیشترین موارد وزش باد مربوط به باد های شمالی و شمال غربی است که در ماههای گرم صورت می گیرد و باد های معروف ۱۲۰ روزه را بوجود می آورد.

از آنجا که فرصت لازم برای تشکیل سفره های زیر زمینی مناسب در منطقه فراهم نیامده است، رودخانه هیرمند به عنوان تنها منبع تأمین آب سیستان محسوب می شود. آبدهی سالانه این رودخانه که از سلسله جبال هندوکش در افغانستان سرچشمه می گیرد، ۱۲ میلیون متر مکعب است که این میزان قبل از ورود به خاک ایران به حدود ۷ میلیارد متر مکعب می رسد (که از ۱۴۷۰ میلیون متر مکعب در سال آبی ۳۶-۳۵ تا ۸۴۳ میلیون متر مکعب در سال آبی ۵۰-۴۹ نوسان داشته است).

هموار بودن دشت و عمق کم بستر رودخانه موجب شده که با مختصر افزایش در حجم آب رودخانه سطح آن بالا آمده و به اراضی اطراف سرایت کند و اگر این افزایش حجم زیاد باشد به سرعت دشت را فرا گیرد (سیل مخرب ۱۳۶۰). پر شدن هامونها و پیشروی خط ساحلی آن به طرف روستاها و مزارع نیز نقش به سزایی در وقوع سیل در منطقه ایفا می کند.

علیرغم آسیب پذیری دشت سیستان ناشی از وقوع سیل های هیرمند، نواحی کوچکی در محدوده آن وجود دارند که به علت ارتفاع نسبی بالا، کمتر در معرض این مشکل قرار دارند. اراضی مورد نظر برای احداث شهر جدید از زمره این نواحی محسوب می شود. بررسی نقاط ارتفاعی اراضی انتخاب شده نشان می دهد که در پایین ترین قسمتها، این اراضی حدود ۸ متر بالاتر از سطح شهر زابل قرار دارند. وجود کانال طبیعی «شيله» (Shileh) که در

سطح قابل توجهی پایین تر از اراضی شهر جدید واقع شده و هدایت کننده آبهای سرریز هامون هیرمند به داخل خاک افغانستان می باشد ، نیز عامل مهمی در کاهش احتمال جاری شدن سیل در اراضی شهر جدید است.

۲- مسائل جمعیتی

بر اساس نخستین آمارگیری رسمی کشور در سال ۱۳۳۵، جمعیت منطقه سیستان ۱۵۲۳۷۳ نفر بوده است، جمعیت منطقه در سال ۱۳۴۵ به ۱۶۰۵۳۷ نفر، در سال ۱۳۵۵ به ۱۷۴۳۰۰ نفر، در سال ۱۳۶۵ به ۲۷۴۶۱۱ نفر و در سال ۱۳۷۵ به ۳۳۴۵۶۱ نفر بوده است. نرخ رشد متوسط سالانه جمعیت منطقه در فاصله سال های مذکور به ترتیب ۰/۵۲ ، ۰/۸۲ ، ۴/۶۵ ، ۱/۸۹ درصد و نسبت شهر نشینی در این سالها به ترتیب ۸ ، ۱۱/۷ ، ۱۶/۸ ، ۲۷/۳ و ۲۹/۳ درصد بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

با توجه به فرمول پیش بینی جمعیت و اعمال آن در مورد جمعیت شهر زابل، جمعیت این شهر در سال ۱۴۰۰ برابر با ۲۷۰۰۵۵ نفر خواهد بود (با فرض ثابت بودن رشد ۳/۷ درصد جمعیت شهر زابل).

۳- بررسی ویژگیهای اقتصادی

منطقه سیستان به عنوان بزرگترین قطب اقتصادی در منطقه شرق و جنوب شرق کشور از اهمیت اقتصادی و سیاسی قابل ملاحظه ای در مقیاس ملی و استانی برخوردار است. این منطقه با دارا بودن ۴/۵ درصد مساحت کل استان ، حدود ۲۳ درصد جمعیت و ۷۰ درصد اراضی کشاورزی آن را به خود اختصاص داده است. علیرغم محدودیتهایی چون زهکشی نامساعد خاک ، روند شور شدن اراضی ، فقدان آبهای زیرزمینی و وابستگی مطلق به جریان رود هیرمند ، از دیر باز کانون اصلی فعالیتهای اقتصادی سیستان و بلوچستان را تشکیل می داده است .

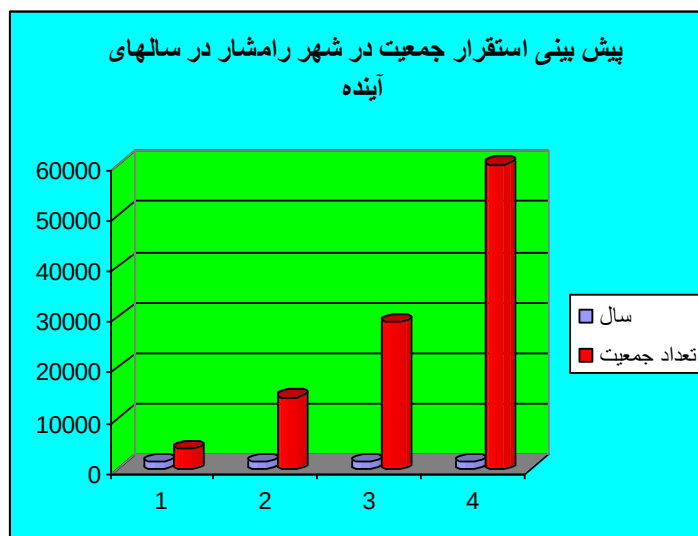
صنعت منطقه هیچگاه نتوانسته به موازات بخش کشاورزی حرکت کرده و از اهمیت و اعتباری همانند در سطح استان برخوردار باشد. تعداد و نوع واحدهای صنعتی، نحوه ارتباط آنها با یکدیگر بطور کلی در ساختار صنعتی سیستان به گونه ای نبوده است که بتواند در شرایط فقر منابع مالی و تنگناهای طبیعی به وجه غالب اقتصادی بدل گردد. این بخش در وضع کنونی خود تعدادی واحد کوچک و پراکنده را در بر می گیرد، بطوریکه ۹۳/۷ درصد شاغلین صنعت منطقه در کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر بکار مشغولند و بیش از ۸۱ درصد از واحدهای بزرگ نیز مربوط به تولید مصالح ساختمانی هستند (شرکت عمران شهر جدید رامشار).

پیش بینی جمعیت پذیری شهر جدید رامشار

براساس پیش بینی طرح جامع جمعیت پذیری شهر جدید رامشار به شکل ذیل می باشد:

۱۴۰۰	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	
۶۰۰۰	۲۹۰۰	۱۴۰۰	۴۰۰*	جمعیت

* توضیح اینکه هنوز این شهر به مرحله جذب جمعیت نرسیده است.



کاربری اراضی در شهر جدید رامشار

کاربری زمین (Land Use) یا کاربری اراضی، و یا نحوه استفاده از اراضی، عبارت است از بررسی نوع استفاده از زمین به نسبت انواع فعالیت های مختلف اعم از بهداشتی، درمانی، مسکونی، اداری و تجاری (شیعه، ۱۳۸۲: ۵).

شهر جدید رامشار در حال حاضر (در اردیبهشت ۱۳۸۵) دارای کاربریهای آماده شده زیر می باشد:

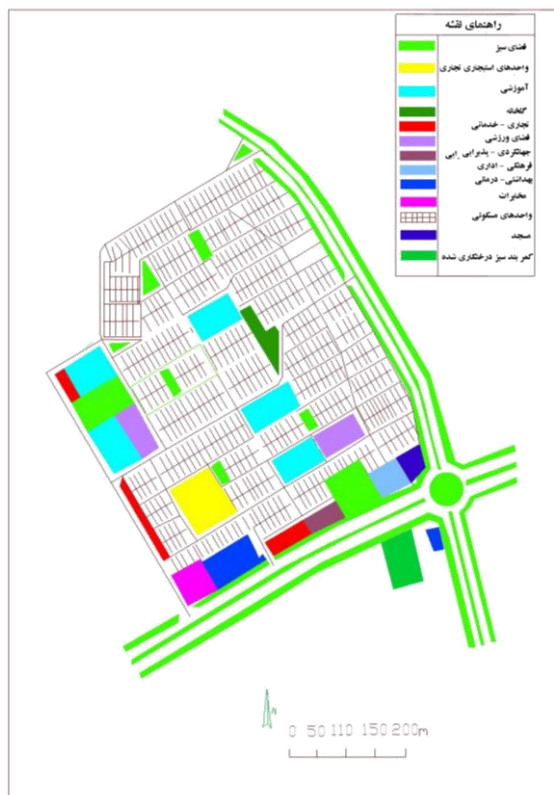
- فضای مسکونی (ویلايي ۵۸ واحد و استیجاری ۹۶ واحد بصورت آپارتمان).
- فضای مذهبی: فعلاً یک مسجد به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع.
- فضای آموزشی: مدرسه ۱۲ کلاسه (۳۲۰۰ متر) و مدرسه ۶ کلاسه ابتدایی (۲۵۰۰ متر) و دبیرستان (۶۸۰۰ متر) و کودکستان (۱۵۰۰ متر).
- فضای انتظامی اداری: کلانتری شهری (۶۵۰۰ متر مربع).
- فضای بهداشتی درمانی: مرکز اورژانس (۷۰۰ متر مربع) و مرکز بهداشتی و درمانی (۴۵۰۰ متر مربع).
- فضای سبز: پارک شهری (۵۰۰۰ متر مربع) و بلوارهای آماده شده.
- فضای اداری- ارتباطی: مرکز مخابرات به مساحت (۳۰۰۰ متر مربع).
- فضای تجاری: که بصورت مجتمع تجاری ۸۰ درصد کار آن پایان یافته و مساحتش (۲۰۰۰ متر مربع) میباشد.
- فضای ورزشی: که در حال حاضر فقط یک سوله به مساحت (۳۵۰۰ متر مربع) آماده شده است.
- فضای فرهنگی، اداری: به مساحت (۲۴۰۰ متر مربع) که ۸۰ درصد آن پایان یافته است.
- خدماتی، تجاری: به مساحت ۱۲۰۰ متر مربع در حال حاضر آماده می باشد.

جدول شماره ۲: کاربری اراضی و سرانه هر یک در شهر جدید رامشمار-۱۳۸۵

نوع کاربری	سرانه - متر مربع	درصد نسبت به کل سطح شهر
مسکونی	۵۵	۴۴
آموزشی	۳/۵	۰/۸۲
آموزش عالی	۵	۴
درمانی و بهداشتی	۱/۵	۱/۲
تجاری	۲	۱/۶
ورزشی	۱/۵	۱/۲
فرهنگی و مذهبی	۱	۰/۸
جهانگردی و پذیرایی	۱	۰/۸
فضای سبز	۱۵	۱۲
اداری و ستادی	۱/۵	۱/۲
حمل و نقل و انبارها	۲	۱/۶
معابر	۷۵/۵	۲۲
تأسیسات و تجهیزات	۲	۱/۶
کارگاهی	۱/۵	۱/۲
سایر	۵	۴
جمع	۱۲۵	۱۰۰

مأخذ: شرکت عمران شهر جدید رامشمار

نقشه شماره ۱) کاربری اراضی شهر جدید رامشار - ۱۳۸۵



مأخذ: شرکت عمران شهر جدید رامشار

جمع بندی و تحلیل نتایج بررسی وضع موجود

آنچه از بررسی نتایج مطالعات مرحله راهبردی بر می آید حاکی از پیوند جدایی ناپذیر ابعاد اقتصادی- اجتماعی زندگی در منطقه سیستان با شرایط جغرافیایی آنست از جمع بندی مطالعات جغرافیایی چنین استنباط می شود که نفوذ ناپذیری، عدم وجود سفره های زیر زمینی، زهکشی نامناسب خاک، روند شور شدن اراضی، وجود شن زار و پدیده کویر زایی، طولانی بودن فصل خشک، بارندگی اندک، تبخیر زیاد، بی دفاعی در مورد کاهش و افزایش شدید آب رودخانه هیرمند (خشکسالی، سیل) از جمله محدودیتهایی هستند که اهالی منطقه با آن مواجه می باشند. در این رابطه پیش بینی شده که با برداشتن موانع سیاسی و تأمین اعتبارات مورد نیاز و بطور کلی بوجود آوردن شرایط لازم برای پروژه های در دست بررسی و یا در دست اقدام، غلبه بر معضلات و ناملازمات طبیعی سیستان امری ممکن و عملی می باشد. در این رابطه هدایت آب رودخانه هیرمند به گودالهای چاه نیمه (قبلا سه مخزن به گنجایش تقریبی ۶۵۰ میلیون متر مکعب اجرا شده و ایجاد مخزن چهارم به ظرفیت یک میلیارد متر مکعب در دست اجرا است) ایجاد دیواره های حفاظتی بین هامون ها و اراضی مجاور و زهکشی اراضی از مهمترین عوامل به حساب می آیند.

در زمینه اقتصادی عنوان شده که منطقه سیستان در راه توسعه اقتصادی، با امکانات نسبتاً محدود و تگناهای نامحدود و همه جانبه روبرو می باشد. مهمترین امکانات در وجود رودخانه هیرمند (با صد ها میلیون متر مکعب آب سالانه) هامون ها، مخازن چاه نیمه و دهها هزار هکتار اراضی قابل کشت، موقعیت ارتباطی درون منطقه ای مناسب ، زمینه گسترش فعالیتهای کشاورزی و دامداری، امکان گسترش روابط تجاری با کشورهای افغانستان و پاکستان، عزم دولت برای عمران منطقه و ... نهفته است در حالیکه غلبه شیوه های سنتی کشاورزی و دامداری بر ناتوانی اقتصاد منطقه در جذب مازاد نیروی کار این بخش، مهاجرت پیوسته جمعیت روستایی، نرخ بالای رشد طبیعی جمعیت و ضعف شدید در زمینه ارائه تأسیسات زیر بنایی و معضلات ناشی از همجواری با کشور افغانستان محدودیتهای عمده در راه توسعه اقتصادی منطقه بشمار می روند.

در مورد جهت گیری اقتصاد، بخش صنعت علیرغم تمام محدودیتهای باید به عنوان آلتز ناتو اصلی ایجاد اشتغال و حفظ جمعیت منطقه مورد توجه قرار گیرد و در این رابطه، حیطه فعالیت آن از محدوده فعالیت های جانبی کشاورزی و دامداری بسیار فراتر رفته و زمینه های وسیع تری را در برگیرد.

در زمینه های مسائل جمعیتی بر سه گرایش اساسی تأثیر گذار بر روند تحولات جمعیتی یعنی کاهش نرخ رشد طبیعی، تداوم پیدایش اضافه جمعیت نسبی در مناطق روستایی و نگرش دولت به سیستان به عنوان یک منطقه استراتژیک و عزم به حفظ جمعیت آن تأکید شده، بر این اساس جمعیت منطقه تا سال ۱۳۹۰ حدود ۶۱۸ هزار نفر بر آورد گردیده است (شرکت عمران شهر جدید رامشار) .

اقدامات انجام شده در شهر جدید رامشار از بدو تأسیس تا کنون

در تاریخ ۷۰/۱۲/۲۴ شرکت عمران شهر جدید رامشار به ثبت رسیده و نخستین اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت تعیین گردید. طرح راهبردی شهر جدید رامشار در سال ۷۳ تهیه شده و به تصویب کمیته تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید رسید. اعم اقدامات انجام شده در سنوات گذشته در این شهر جدید عبارتند از:

- تملک حدود ۱۰ هزار هکتار زمین از محل منابع ملی در سال ۱۳۷۰.
- واگذاری ۲۰۰ هکتار زمین به شرکت شهرکهای صنعتی استان سیستان و بلوچستان برای ایجاد شهرک صنعتی در سال ۷۰.
- انجام مطالعات حمل و نقل و ترافیک در سال ۷۳.
- انجام مطالعات تأسیسات زیربنایی در سال ۷۳.
- انجام مطالعات زمین شناسی در سال ۷۲.
- طرح آماده سازی فاز ۱ برای ۱۳۰ هکتار اراضی شهر جدید در تاریخ ۷۱/۵/۲۵ شروع شده و در تاریخ ۷۳/۷/۲۸ به تصویب کمیته تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید رسید و در ادامه طرح آماده سازی فاز ۲ برای ۴۰ هکتار مورد پیگیری قرار گرفت که در تاریخ ۷۸/۴/۲۲ در کمیته تخصصی شرکت عمران شهرهای جدید به تصویب رسید.
- انجام مطالعات فازهای ۱ و ۲ طرح انتقال آب از چاه نیمه ها به شهر جدید رامشار در سال ۸۲.
- عملیات اجرایی شهر جدید رامشار در ۱۳۷۸ آغاز شده که اعم فعالیت های انجام شده تا کنون به شرح ذیل می باشد :
- اجرای عملیات خاکی کلیه معابر ورودی شهر جدید به وسعت ۴۰ هکتار شامل عملیات رو سازی و زیر سازی.
- اجرای جوی و جداول بتنی شهر.
- عملیات احداث یک باب مدرسه شش کلاسه.
- عملیات احداث و تجهیز مسجد و محوطه سازی آن.
- طراحی و اجرای پارک محله ای به وسعت ۶۰۰۰ متر مربع.
- اجرای شبکه فشار متوسط (۲۰ کیلو ولت) و تأمین برق محله اول .
- اجرای شبکه روشنایی معابر.
- طرح احداث ۹۶ واحد مسکونی استیجاری توسط سازمان مسکن و شهرسازی استان سیستان و بلوچستان.
- ادامه اجرای احداث ۵۳ واحد مشارکتی ویلایی با پیشرفت فیزیکی ۸۰ درصد.
- احداث مرکز مخابراتی ۱۰۰۰ شماره ای شهر به همراه محوطه سازی آن.
- احداث میدان ورودی شهر جدید.
- احداث مجموعه فرهنگی و تفریحی شهر جدید رامشار.
- احداث کلانتری شهر جدید رامشار.
- احداث مرکز بهداشتی و درمانی.
- احداث مدرسه ۱۲ کلاسه.
- احداث سوله ورزشی به وسعت ۱۰۰۰ متر مربع.
- احداث مجموعه تجاری با ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی.
- احداث مجموعه فرهنگی و اداری با ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی.
- تکمیل ساختمان مرکز اورژانس رامشار.

- اجرای مخزن زمینی ۲۰۰۰ متر مکعبی شبکه توزیع آب با ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی.
- اجرای شبکه توزیع آب محله اول به طول ۴۰۰۰ متر.
- اجرای خط انتقال آب از چاه نیمه ها به شهر جدید رامشار به طول ۴۰ کیلو متر.
- اجرای فضای سبز بلوارها، محوطه های پارک، مسجد، مدرسه و محله اول.
- جنگل کاری ۵۰ هکتار از اراضی کمر بند سبز حفاظتی اطراف شهر جدید.
- ایجاد نهالستان و گلخانه در محله اول شهر جدید.

پیشنهادهای لازم درمورد جذب جمعیت و پویایی هرچه بیشتر شهر رامشار

- ایجاد محیط مناسب طبیعی و مصنوعی (مثل: پارک ها ، فواره های آب ، میادین زیبا، ایجاد انواع نمایشگاهها، ایجاد بازارهای تجاری و ایجاد آبشارهای طبیعی و ...) که انسان را از لحاظ روحی و روانی و مادی تأمین کرده تا این امر باعث جذب جمعیت شود.
- ایجاد زمینه های اشتغال در این شهر، زیرا فرصت های اشتغال باعث خواهند شد که مردم به تدریج در آن ساکن شوند.
- ایجاد جاذبه لازم در شهر جدید رامشار از طریق؛ ارایه امکانات بیشتر در آن، به طوری که از نظر امکانات در سطحی بالاتر از شهر زابل قرار گرفته و زمینه کشش جمعیتی را در آن فراهم سازد.
- تسریع در عملیات فیزیکی و کالبدی شهر جدید رامشار و اتمام پروژه های مربوطه به عنوان پیش زمینه جذب جمعیت.

نتیجه گیری

همانگونه که گفته شد، شهرهای جدید عملاً جهت کاهش بار تراکم جمعیت در شهرهای بزرگ و جلوگیری از مهاجرت به این شهرها و همچنین جهت ایجاد اشتغال و جلوگیری از گران شدن زمین در شهرها احداث شده و می شوند. بطوریکه می دانیم شهرهای جدید در کشورهای غربی و توسعه یافته با موفقیت عمل کرده، اما این طرح در کشور ما با موفقیت چندانی همراه نبوده است. بطوریکه می دانیم، طرح احداث ۱۴ شهر جدید در اطراف مادر شهرهای کشور در سال ۱۳۶۴ به تصویب رسید، که از این بین تنها ۵ تا ۶ شهر عملکرد مناسبی داشته، که آنها هم در اطراف شهرهای بزرگی چون؛ تهران، مشهد، اصفهان و تبریز قرار دارند، در حالیکه برخی شهرهای تصویب شده، هنوز مراحل اجرایی آنها شروع نشده و یا تازه مراحل ابتدائی آنها شروع شده، که نمونه آن شهر طیس در چابهار و شهر رامشار در زابل است. طبق طرحهای تصویبی می بایست مراحل اجرایی شهر رامشار در سال ۱۳۹۰ تمام شده و جمعیتی در حدود ۶۰۰۰۰ هزار نفر در آن اسکان داده شود، که متأسفانه هنوز در پایان سال ۱۳۸۵ از طرح چهار فازی آن تنها حدود یک چهارم اولین فاز آن در حال آماده شدن است.

منابع

- ۱- زیاری، کرامت الله. (۱۳۷۹). برنامه ریزی شهرهای جدید. تهران: انتشارات سمت.
- ۲- شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۹). مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۳- شرکت عمران شهر جدید رامشار.
- ۴- مهندسین مشاور شهر و خانه. (۱۳۷۲). کنفرانس بین المللی مسائل توسعه شهری و شهرهای جدید، خلاصه مطالعات شهر جدید رامشار. اصفهان.
- ۵- ربانی، رسول. (۱۳۸۱). جامعه شناسی شهری. دانشگاه اصفهان و انتشارات سمت.
- ۶- شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۲). کارگاه برنامه ریزی شهری. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۷- شکویی، حسین. (۱۳۷۲). جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۸- امیر یار احمدی، محمود. (۱۳۷۸). به سوی شهر سازی انسانگرا. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۹- موسی کاظمی، سید مهدی و سید علی بدری. (۱۳۸۳). جغرافیای شهری و روستا شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۰- فرید، پدالله. (۱۳۶۸). جغرافیا و شهر شناسی. انتشارات دانشگاه تبریز.
- ۱۱- شکویی، حسین. (۱۳۷۳). دیدگاههای نو در جغرافیای شهری، جلد اول. تهران: سمت.
- ۱۲- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۲). روابط متقابل شهر و روستا. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۳- هاروی، دیوید. (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی و شهر. مترجمین: فرخ حسامیان و همکاران. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۱۴- نظریان، علی اصغر. (۱۳۸۳). جغرافیای شهری ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۵- مشهدیزاده دهقانی، ناصر. (۱۳۷۸). تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۶- مستوفی الممالکی، رضا. (۱۳۸۰). شهر و شهر نشینی در بستر جغرافیای ایران. مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۷- مدنی پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیندی اجتماعی- مکانی). ترجمه فرهاد مرتضایی. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۱۸- مجتهد زاده، غلامحسین. (۱۳۸۲). برنامه ریزی شهری در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۹- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- ۲۰- روبنستاین، جیمز. (۱۳۸۴). کتاب شهرهای جدید (۲۵ سال تجربه شهرهای جدید فرانسه). مترجم محمد تقی زاده مطلق. انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۲۱- کربلایی نوری، رضا. (۱۳۸۳). کتاب شهرهای جدید- ۵ (مجموعه مقالات). انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۲۲- طلاچیان مرتضی. (۱۳۸۴). نگاهی به شهرهای جدید ایران. انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- ۲۳- ابراهیم زاده، عیسی و محمد نگهبان مروی. (۱۳۸۳). تحلیلی بر شهر و شهر نشینی و جایگاه شهرهای جدید ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. شماره ۷۵.
- ۲۴- احمدی، حسن. (۱۳۷۲). ارزیابی تجارب نوشهر سازی در ایران. مجموعه مقالات ارایه شده در کنفرانس بین المللی توسعه شهری و شهرهای جدید. شرکت عمران شهرهای جدید.

کاربرد روش بحث‌های گروهی متمرکز^۸ در پژوهش نواحی نابسامان شهری

علیرضا محمدی

عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشگاه محقق اردبیلی

نشانی پست الکترونیک: a.mohammadi@uma.ac.ir

چکیده

در این نوشتار با استناد به پژوهش‌های تجربی و برخی از اسناد مکتوب، روش بحث‌های گروهی متمرکز را به دلیل کاربرد آن در پژوهش نواحی نابسامان و غیررسمی شهری، معرفی و بحث شده است. در ادامه، محتوا و اجزای کلیدی روش بحث گروهی بیان شده است. همچنین اهداف، گام‌ها و روش برگزاری یک جلسه بحث گروهی، مزیت‌ها و کاستی‌ها، بایدها و نبایدها و چالش‌های این روش منعکس شده‌اند. سرانجام با توجه به اهمیت ساماندهی کالبدی و غیر کالبدی این سکونتگاه‌ها، پیشنهادهایی برای تأثیرگذاری کاربرد این روش، در سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌های ساماندهی نواحی نابسامان و غیررسمی شهری ارائه شده‌اند. **واژه‌های کلیدی:** مدیریت و برنامه‌ریزی، نواحی نابسامان و غیررسمی، روش بحث‌های گروهی متمرکز، اجتماع محلی.

۱- مقدمه

توسعه محله‌ای و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تا حد زیادی به سیاست‌های ملی و محلی متکی است. به طور روشن در وضعیت موجود، تصمیم‌گیری برای توسعه و ساماندهی محلات، در عمده برنامه‌ها و سیاست‌های کشور، روندی از بالا به پایین است و تحت چارچوب‌های اداری و بخشی و فرمایشی انجام می‌پذیرد. در مورد سکونتگاه‌های نابسامان و غیررسمی شهری، وضعیت به شکل ملموس‌تری مشهود است و نابسامانی در ساختار نهادی و اجرایی ساماندهی سکونتگاه‌ها در سطح محلی وجود دارد. این مسئله را به طور خلاصه می‌توان ناشی از موارد ذیل برشمرد:

۱- مجموع سیاست‌ها و برنامه‌های شهری، متکی بر درآمدهای ملی در حوزه عمومی است و این مسئله در بلندمدت نقش و وظیفه‌ای را برای شهروندان ساکن در این محلات تعریف نکرده است. آنها در جایی که دولت پا به عرصه می‌گذارد، انتظار اقدام یک سویه دولتی را دارند. چرا که دولت را غایب و یا موظف و مسئول در قبال زندگی خود می‌دانند؛ و البته این اشاره را داشته باشیم که سکونتگاه‌های غیررسمی نیازمند سیاست‌گذاری دولتی هستند. از این‌رو ظرفیت‌سازی اجتماع‌محور که بر مبنای نیازها و توان‌های محلات باشد در طولانی مدت شکل نگرفته است.

۲- مشارکت مردم در ساخت و بهسازی سکونتگاه تا حد زیادی مستقل و خود انگیخته بوده است و در این مدت دولت هم عمدتاً در بخش زیرساخت‌ها و خدمات نقش داشته است. از این‌رو امروز بحث از مشارکت مردم و دولت، در سکونتگاه‌های غیررسمی مسئله اصلی نیست که برخی از پژوهشگران بر آن اصرار دارند. بلکه مسئله، تعریف اهمیت، نوع، زمان، مکان و سهمی است که هرکدام از عناصر باید در آن مشارکت و حضور داشته باشند.

۳- مشارکت مردم تا حد زیادی از نقشه ذهنی آنها در مورد جریان‌های تاریخی و اجتماعی اتفاق می‌افتد. تجارب ناموفق از مداخلات بخش دولتی، ذهنیت‌های نادرستی را در میان شهروندان به وجود می‌آورد. از سوی دیگر در عمده سکونتگاه‌های غیررسمی قوانین اجتماع محلی متفاوت از

۸ - Focus Group Discussions

این روش با عنوان جلسات گروه‌های کانونی، بحث‌های مردمی، بحث‌های موضوعی و موارد مشابه نیز مورد استفاده قرار گرفته است. در این نوشتار ترجمه مستقیم آن حفظ شده است. همچنین، ناحیه بر ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فضاها و مکان‌های شهری اشاره دارد و صرفاً موید ویژگی‌های کالبدی نمی‌باشد.

قوانین رسمی است. مغایرت‌های زیادی بین نیازهای اجتماع محلی و قوانین وضع شده در طرح‌های توسعه شهری وجود دارد. از این رو همواره تضادی بین عملکرد اجتماع محلی و قوانین رسمی وجود دارد که در بسیاری موارد عناصر دخیل در توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی را روبروی هم قرار می‌دهد.

۴- هنوز ساختار برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسبی در خصوص ساماندهی محلات نابسامان غیررسمی در سطوح محلی شکل نگرفته است و نیز زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی و اجرایی مستقل و پایداری در آنها شکل نگرفته‌اند. بخشی از آن به اقتصاد سیاسی شهر و نبود الزامات اقتصادی برای ساماندهی این محلات مربوط می‌شود. آنها فاقد شرایطی هستند که در بافت‌های مرکزی فرسوده شهرها از طریق اعیان‌سازی حاصل می‌شود. از این رو همواره پشتیبانی دولتی برای ایجاد عدالت در توسعه و به ویژه بخش خدمات و مسکن، ضروری هست. با این وجود، در این محلات، نهادهای محلی اجرایی (دفاتر برنامه‌ریزی) با برنامه‌های اجرایی، غایب و یا فاقد پشتوانه‌های مالی و قانونی و اجرایی‌اند.

۵- برنامه‌ریزی برای سکونتگاه‌های نابسامان، دستخوش سلیقه‌ها و تصمیمات مدیران در سطوح مختلف مدیریتی است و نیز متکی بر جریان‌های سرمایه‌گذاری دولتی است. از این رو برترین طرح‌ها نیز در تغییرات مدیریتی و تصمیمات دوره‌ای و نبود تعهد و خواست سیاسی^۹، پایدار نیستند. ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی نیازمند اراده مسئولان محلی و شکل‌گیری نهادهای توسعه محلی با حمایت‌های ملی و محلی و انگیزه‌هایی فراتر از منافع فردی و اقتصادی است. از طرف دیگر، متأسفانه منافع فردی و یا گروهی و نیز بی‌ثباتی مدیریت‌های محلی، بر ناپایداری اقدامات می‌افزاید. با هر تغییری نگاه به مسئله نیز عوض می‌شود.

۶- اغلب طرح‌هایی که برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی ارائه می‌شود، تسلط تفکرات طرح تفصیلی است. استانداردهای طراحی شهری که اغلب در طرح‌های آماده‌سازی ارائه می‌شوند، در مورد این محلات نیز به یکسان به کار می‌روند. در حالی که تغییرات به سادگی در این سکونتگاه‌ها ممکن نیست و هر خطی که در آتلیه‌ای ترسیم می‌شود، زندگی خانوارهای کم‌درآمد زیادی را تهدید می‌کند. به ویژه آنکه اگر با تمایل و استطاعت گروه‌های کم‌درآمد در تضاد باشد، اجرای آن‌ها ناممکن است. از این رو طرح‌هایی که با تقاضا، خواست و توان انطباق اجتماع محلی تهیه نمی‌شوند، همواره شکست می‌خورند. به ویژه آنکه، بحث‌های مالی طرح‌ها بدون حضور و حمایت دولتی، همواره نقطه عطف برای موفقیت و یا شکست طرح‌ها است. از سوی دیگر، هنوز تکلیف و جایگاه این طرح‌ها در برنامه‌ریزی‌های توسعه مشخص نشده است. حتی شاخص‌های تعریف آنها و تمایز آنها با بافت‌های فرسوده شهری مشخص نیست. در اغلب موارد برای سکونتگاه‌های غیررسمی طرح‌هایی تهیه می‌شوند که همپوشانی دارند. در نتیجه تکلیف اجتماع محلی را روشن نمی‌کنند.

۷- مطالعات سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور بدون هدف و برنامه راهبردی مشخص در سطح شهرها دنبال می‌شود و بیش از آنکه بر فرآیند و ساختار و نهادهای در سطح محلی متمرکز باشد، به عرصه رقابت بین‌نهادهای برای گرفتن ردیف بودجه و یا رفع تکلیف تبدیل شده است. در نهایت ساختار انعطاف‌ناپذیری شکل گرفته است که محدود به تصمیم‌گیری‌های گروهی و یا فردی شده است.

۸- بخشی از مسئله نیز به نبود نهادهای تخصصی پژوهشی و یا عدم حمایت از آنها باز می‌گردد. بسیاری از پژوهش‌های حرفه‌ای در زمینه پژوهش نواحی نابسامان به مهندسان مشاور سپرده می‌شود که اغلب نگاه مالی به طرح‌ها داشته غیربومی هستند (اغلب در تهران مستقرند) و یا نظارت جدی بر کار آنها در محل وجود ندارد. در مواردی نیز عکس قضیه صادق است. مسئولان محلی اعتقاد و یا تعهد کافی در قبال سکونتگاه‌های غیررسمی ندارند و این احساس وجود دارد که پرداختن به این محلات اقتصادی نیست.

۲- رویکرد نظری

مادامی که شهرنشینی به عنوان یک شیوه زندگی وجود دارد، نابرابری و تفاوت، ذاتی توسعه سامانه‌های شهری است. سکونتگاه‌های نابسامان و غیررسمی شهری را می‌توان بخشی از این واقعیت پذیرفت و آن را شیوه خاصی از زندگی دانست که بخشی از جمعیت شهرنشین در مرحله‌ای از زندگی خود و یا برای همیشه تجربه می‌کنند. به دلیل محدودیت و نبود نظام‌های دربرگیرنده برنامه‌ریزی محلی برای سرپناه، خدمات و فرصت‌های توسعه، آنها نیاز به تسهیل‌گری و در مواردی حمایت دولتی‌اند.

نیاز است سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه این سکونتگاه‌ها، بر مبنای اصولی باشد که قصد یکسان‌سازی و استانداردسازی یکباره این شیوه با نحوه زندگی در بخش‌های پیشرفته شهری را ندارد. تجربه نشان می‌دهد که پیاده‌سازی طرح‌های بلندپروازانه مشابه با بخش‌های پیشرفته شهری با هدف از

⁹ - Political Will

میان بردن نابرابری‌ها، یکسان‌سازی استانداردهای محیطی، متناسب با واقعیات موجود در این نواحی شهری نیست و باید توجه داشته باشیم که نظریه‌ها و آرمان‌های شهری ما همواره از واقعیات حاکم بر این نواحی شهری پیشی می‌گیرند. موضوع تنها تغییر دادن ریخت و سیمای زندگی آنها نیست، بلکه موضوع درک نادرستی از شیوه زندگی خاص آنها است. شرایطی که کم‌درآمدها در آن زندگی می‌کنند، سازمانی پیچیده از روابط شبکه‌ای در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی است.

یکی از راه‌های شناخت و درک درست مسائل و مشکلات و حتی راهکارهای کاهش مسائل حاد در این نواحی شهری، پیمایش‌های اجتماعی و از جمله بحث‌های مردمی و انجام مصاحبه‌های عمیق، حول محور موضوعات کلیدی و ریشه‌ای اجتماع محلی در سکونتگاه‌های غیررسمی است. شیوه‌ای که تا حد زیادی از پیش‌داوری‌های خام در مورد زندگی و برنامه‌های آتی آنها ممانعت نموده و واقعیات را روشن می‌سازد. روش گروه‌های بحث متمرکز، به آن دسته از ساکنان نواحی نابسامانی که این فرصت را پیدا نکرده‌اند تا از طریق روش‌های رسمی و رسانه‌ای، مسائل خود مطرح کنند، این مجال را به وجود می‌آورد که «داد» و صدای ناگفته‌های شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی زندگی خود را در این سکونتگاه‌ها از طریق تسهیلگران، برنامه‌ریزان و مؤسسات مردم‌نهاد، به گوش مسئولان و متولیان امر برسانند.



شکل ۱- شهر کنارک در استان سیستان و بلوچستان، محله سعیدآباد

(محله کم‌درآمد نشین و بلا تکلیف از نظر توسعه شهری)

عکس از : نگارنده، ۱۳۸۸.

روش «بحث‌های گروهی متمرکز» در سال‌های اخیر، از جمله شیوه‌های متداول در مطالعات این نواحی شهری بوده است. اینکه، این روش تا چه حد توانسته است در اجرای طرح‌ها بر مبنای مشارکت و خواست مردم اثرگذار باشد، هنوز کاملاً بررسی و مورد توجه قرار نگرفته است. لیکن در این نوشتار با تکیه بر یک تجربه، به این مسئله اشاره خواهیم نمود. هدف اصلی نوشتار، دعوت به تفکر در خصوص استفاده از نتایج «بحث‌های گروهی متمرکز» در اجرای طرح‌های ساماندهی سکونتگاه غیررسمی و توسعه اجتماع محلی است.

۳- معرفی روش بحث‌های گروهی متمرکز

واژه «بحث‌های گروهی متمرکز» اشاره به مجموعه اقدامات اندیشیده شده‌ای دارد که در طی آن تلاش می‌شود مسائل، چالش‌ها، انتظارات و پیشنهادها، اجتماعی محلی، کشف، تحلیل و نتایج، مستندسازی شود. برخی به اشتباه آن را روش جمع‌آوری داده و آمار می‌پندارند. نتیجه‌شکلی آن، تولید گزارش و سندی جهت استفاده در برنامه‌های توسعه محله‌ای و نواحی نابسامان شهری است. این روش، تلاشی است برای فهم مسائلی که اجتماع محلی بیش از پژوهشگران و مسئولان بر آن آگاهی دارند. تلاشی است برای شنیدن صدای مردم، رساندن نتایج نظرات مردم بدون اعمال سلیقه فردی و گروهی به گوش مسئولان شهر و پیگیری نتایج تا حصول اقداماتی موثر برای توسعه اجتماع محلی و تغییر کیفیت زندگی آنها در سکونتگاه‌های غیررسمی. بحث گروهی متمرکز، یک روش مطالعه کیفی برای ارزیابی و درک مسائل یک گروه از طریق گفتگوهای موضوعی حول مسائل کلیدی است. هدف از آن، تنها رسیدن به یک اجماع و نظر مشترک نیست بلکه روشی برای استخراج دیدگاه‌ها و گرفتن جمع نظرات، پیرامون موضوعاتی است که گروه را گرد هم آورده است. لذا هر گونه تجمع گروهی را نمی‌توان بحث گروهی متمرکز نامید.

برخی از پژوهشگران ریشه پیدایش این روش را، به پژوهش‌های مربوط به اقتصاد و بازاریابی، جلب مشتری و مطالعه نهادهای بازرگانی در قرن بیستم نسبت داده‌اند. لیکن، واقعیت این است که این روش فرزند مجموعه پژوهش‌های علوم اجتماعی است و از حدود ۱۹۴۰ میلادی، در تکننگاری‌های علوم اجتماعی (جغرافیای انسانی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و تفحص در خصوص تشابهات و تفاوت‌های جوامع در محیط‌های مختلف و سایر) به کارگرفته شده است. این روش، از دهه ۱۹۸۰ میلادی در متون مارکسیستی و فمینیستی دوباره زنده شد و با رویکرد جدیدی پا به حوزه پژوهش‌های اجتماعی و شهری گذاشت (Liamputtong, 2011).

در حوزه مطالعات نواحی نابسامان شهری، نهادهایی همانند مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد^{۱۰}، بانک جهانی و دیگر نهادهای فعال در زمینه فقرزدایی شهری دیده می‌شود. عمده ویژگی‌های این روش را می‌توان شامل موارد ذیل برشمرد:

- ۱- پیرامون موضوع یا موضوعات کلیدی تشکیل می‌شود.
 - ۲- عمدتاً محدود به گروهی کوچک متشکل از ۸ تا ۱۲ نفر است. در صورت وجود تعداد زیادی از افراد باید گروه‌بندی انجام گیرد.
 - ۳- نیاز به افراد تسهیلگر و با تجربه در پژوهش کیفی و پیمایش‌های اجتماعی دارد.
 - ۴- به دنبال کشف مسائل و اطلاعات نظری جدید است که از طریق سایر روش‌های کیفی و کمی قابل حصول نیستند.
 - ۵- شرکت‌کنندگان در آن غالباً همگون هستند (جویانی، ۱۳۸۸).
 - ۶- گفتگوها دو طرفه نیست بلکه چندسویه است و فقط تسهیلگران یا مسئولان جلسات نیستند که مخاطب قرار می‌گیرند.
- به طور روشن بحث گروهی متمرکز عبارت از فعالیتی است که در طی آن گروهی از یک جامعه آماری همگن برای بحث در خصوص مسائل کلیدی حول یک موضوع خاص در یک مکان مناسب، برای بحث گرد هم آورده می‌شوند. این گرد هم‌آیی نیاز به برنامه‌ریزی مالی، زمانی و منابع انسانی دارد.

۳-۱- اهداف بحث‌های گروهی متمرکز

در خصوص برگزاری بحث‌های گروهی متمرکز در نواحی نابسامان شهری اهدافی دنبال می‌شود. مهم‌ترین این اهداف را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

- ۱- فهم، درک و تفسیر معانی کلمات برای رسیدن به موضوعات راهبردی (Liamputtong, 2011).
- ۲- ممانعت از ناکارآمدی اقدامات منتج ناشی از بکار بردن شیوه‌های برنامه‌ریزی دستوری و متمرکز و از بالا به پایین.
- ۳- کاهش فاصله زمانی اقدامات عملیاتی.
- ۴- توجه به معیارهای اعتماد، مشارکت، مسؤولیت پذیری، توانایی ایجاد وحدت، پاسخگویی، احترام، عدالت و گوش دادن و دوست داشتن در برقراری ارتباط با فقرا (گروه‌های کم درآمد جامعه).
- ۵- کاهش محرومیت‌های ناشی از عدم ابراز عقیده و قدرت بیان و زبان‌آوری (رفعیان و همکاران، ۱۳۸۵).
- ۶- متمرکز نمودن مجموعه اقدامات برنامه‌ریزی، برای نیازها و اولویت‌های اجتماع محلی؛

¹⁰ - UN-Habitat

- ۷- ممانعت از هزینه‌های ناشی از ارائه خدمات غیرضروری و ایجاد اطمینان از پایداری اقدامات توسعه در محلات.
 - ۸- افزایش اعتماد در رابطه بین مردم و مسئولان اداره شهر و احساس به حساب آوردن فقرا و شهروند دانستن کم درآمدها در جامعه شهری.
 - ۹- آموختن از مردم برای تهیه برنامه‌ها؛ و کسب اطلاع از عقاید و نظرات متفاوت.
 - ۱۰- تبادل نظرات و ممانعت از به وجود آمدن توقعات و انتظارات خارج از ظرفیت‌ها و اقدامات مدیریت شهری؛ و فایده‌ای جزئی‌تری که از این موارد به دست می‌آید.
- بحث‌های گروهی متمرکز، می‌توانند دانش اجتماعی فراتر از اطلاعات برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران را در خصوص مسائل و مشکلات اجتماعات پیش روی نهند. دلایل بسیاری از مسائل و آگاهی به تمایلات و خواسته‌های اجتماعات از درون این بحث‌ها، قابل دست‌یابی است. به ویژه در نواحی نابسامان شهری، بحث‌های گروهی متمرکز در رده پژوهش‌های شهری اکتشافی قرار می‌گیرند.

۳-۲- گام‌های کلیدی در برگزاری بحث‌های گروهی متمرکز

- ۱- تعیین اهداف و موضوعات کلیدی
 - ۲- شناسایی و تعیین تسهیلگران و مستندسازان آموزش دیده متناسب با ماهیت موضوع بحث گروهی
 - ۳- شناسایی گروه همگن و برنامه اطلاع‌رسانی و دعوت و تثبیت برنامه
 - ۴- تدوین قالب‌های بحث‌نامه
 - ۵- برنامه‌ریزی مکان، زمان، هزینه، نشانی‌ها و برنامه اجرایی بحث
 - ۶- برنامه‌ریزی و هماهنگی برای برقراری امنیت گروه بحث در هنگام برگزاری بحث
 - ۷- برگزاری بحث در بهترین زمان ممکن برای حضور اکثریت گروه
 - ۸- تمرکز بر بحث‌ها و پرسش‌های کلیدی که از روش‌های دیگر نمی‌توان به آن‌ها پاسخی یافت.
 - ۹- مستندسازی کامل جلسات بحث گروهی از طریق کلیه ابزارهای نوشتاری و الکترونیکی.
 - ۱۰- تهیه قالب لازم برای گزارش نتایج بحث‌های متمرکز. در بهترین شیوه، جلسات باید به صورت کارگاه تشکیل شود. لیکن این امر در سکونتگاه‌های غیررسمی نیاز به وقت و دقت بیشتری دارد. از سوی دیگر به موضوع بحث بستگی بیشتری دارد.
 - ۱۱- پیرایش محتوایی و استخراج نتایج دسته‌بندی شده از بحث در راستای اهداف کار.
 - ۱۲- استفاده از نتایج بحث‌های گروهی متمرکز در تدوین راهبردها و برنامه‌ها برای اجتماع محلی.
 - ۱۳- تدوین گزارش نهایی
 - ۱۴- ارزیابی تأثیر نتایج گروه‌های بحث متمرکز در برنامه‌ها.
- در برگزاری جلسات بحث، مهم‌ترین مواردی که به کار گرفته می‌شوند، عبارتند از:
- ۱- زمان برگزاری و مکان برگزاری جلسه
- زمان برگزاری جلسات برای حضور تعداد افراد مورد نیاز بسیار مهم است. لذا بیشتر جلسات در زمانی که مردم محله از سرکار برگشته‌اند و زنان وقت آزاد بیشتری دارند انتخاب می‌شود. خانه‌های بهداشت، مساجد و فضاهای مذهبی، مدارس و سایر اماکن عمومی در فقدان خانه‌های دارای فضای کافی در محله، مکان‌های مناسبی برای برگزاری جلسات بحث هستند.
- ۲- اندازه گروه و تعداد گروه‌ها و تقسیم‌بندی خرده گروه‌ها
- اندازه گروه برای ممانعت از شلوغ شدن و مباحث پراکنده و از سویی دیگر جهت کفایت نمودن پاسخگویی‌ها، از ۱ الی ۲ گروه مردان و زنان تشکیل می‌شود. تعداد ۸ الی ۱۲ نفر حد متعادل شرکت‌کنندگان است و بیشتر بودن به معنی بهتر شدن نتایج نیست.
- ۳- تنوع سنی، جنسی، تحصیلی و شغلی گروه
- جهت اطلاع از مسائل، نظرات و پیشنهادهای ساکنان، از بین مردان و زنان افراد با رده‌های سنی و تحصیلی و شغلی متفاوت در جلسات حضور می‌یابند. باید امکان برگزاری بحث با کودکان و نوجوانان به تفکیک جنسی فراهم شود. حتی سالمندان هم نیازهای ویژه‌ای دارند که باید آن را شنید و منعکس نمود؛ اما این تنوع به معنای درهم‌ریختگی و ترکیبی از گروه‌های ناهمگن نیست.

۴- محل سکونت گروه

برای پیشگیری از تعمیم مشکلات یک نقطه از محله به تمامی محله و نیز اطلاع از مشکلات کل محله تلاش می‌گردد تا از نقاط مختلف محله از افراد برای تشکیل گروه‌ها دعوت به عمل آید.

۵- عدم وابستگی قومی، اداری و سیاسی شرکت‌کنندگان

در بحث‌های گروهی متمرکز تلاش می‌گردد تا تنوع و دربرگیرندگی اجتماعی در نظر گرفته شود و درعین حال تلاش می‌شود تا گروهی بدون وابستگی به نهادها و یا تشکیلات خاص، گرد هم آمده باشند.

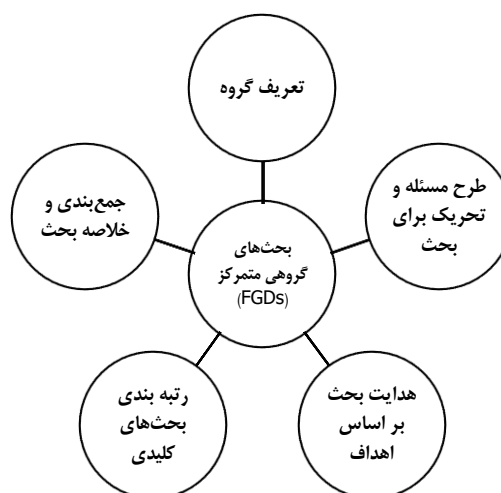
۶- نوع پرسش‌ها

نوع پرسش‌ها با توجه به نیازها و همچنین موضوعات کلیدی در نظر گرفته می‌شود.

۷- زمان

زمان پاسخگویی به پرسش‌ها و پاسخ‌ها، طوری تنظیم می‌شود که وقت کافی برای صحبت تمامی شرکت‌کنندگان مایل به سخنرانی اختصاص یابد. هر فردی از گروه، باید امکان بیان آزادانه نظرات موافق و مخالف را داشته باشد. نباید به افرادی که باانگیزه‌های برهم‌زنی در جلسات حاضر شده‌اند، مجال انحراف بحث‌ها را داد و باید از نیروی بحث جمعی برای ممانعت از شکل‌گیری بحث‌های مغرضانه فردی، استفاده نمود. باید توجه داشت که اگر زمان بحث بیش از حد طولانی باشد، افراد پراکنده می‌شوند. از سوی دیگر نباید بحث‌ها را محدود به افرادی خاص نمود. زمان مناسب برای جلسات، یک ساعت تا یک و نیم ساعت است. جلسات با در نظر گرفتن موارد ذیل برگزار می‌شود:

۱. هماهنگی با مسئولان امنیت شهری و محله‌ای.
۲. اطلاع‌رسانی قبلی و شفاف‌سازی موضوع به شرکت‌کنندگان.
۳. تشریح هدف و دلایل تشکیل جلسات بحث گروهی متمرکز.
۴. روشن نمودن وظایف و به تبع آن انتظارات و توقعات از گروه.
۵. اعتمادسازی برای انعکاس مطلوب نتایج به متولیان امر.
۶. یادداشت و مستندسازی کلیه موارد طرح‌شده.
۷. تشریح اهمیت مشارکت گروه در توسعه محله سکونت و شرایط زیست آنها.
۸. سایر پیش‌زمینه‌ها.



شکل ۲: فرآیند کاربرد روش بحث گروهی متمرکز در مطالعات نواحی نابسامان شهری

در پژوهش‌های مرتبط با سکونتگاه غیررسمی و اجتماع محلی^{۱۱} استفاده از فنون مصاحبه و بحث جمعی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا از روش‌های کوتاه و موثری برای ارزیابی و بررسی مسائل بهره گیرد.

^{۱۱} - Community Development Planning

۳-۳- مزایای روش بحث‌های گروهی متمرکز

اگر چه در نهایت همچون بسیاری از روش‌های کیفی و کمی، ضعف‌هایی در روش بحث‌های گروهی متمرکز وجود دارد، لیکن جنبه‌های مثبت این روش، آن را به عنوان یک روش ساده، مناسب و کاربردی معرفی کرده است:

۱. امکان گفتگوی عمیق با گروه مشخص و کوچکی از اجتماع محلی در چند موضوع خاص را فراهم می‌سازد.
 ۲. امکان تمرکز افراد و شرکت‌کنندگان بر موضوعات خاص و تفکر درباره حل مسائل مربوط به آن را فراهم می‌نماید.
 ۳. گفتگوها، تعاملی، چندسویه و چهره به چهره و فراتر از یک مصاحبه یک سویه عمیق است. از این منظر، کمتر حس غریبی و ترس وجود دارد و اطمینان بیشتری برای گفتگوهای آزاد وجود دارد.
 ۴. از آنجایی که روش، تعاملی است، لذا به مدیر جلسه که اغلب یک پژوهش‌گر است امکان می‌دهد تا بر اساس اهداف از پیش تعیین‌شده، بحث را در محورهای خاص هدایت کند و همچنین از تسهیلگرانی برای کمک به نتایج بهتر یاری گیرد.
 ۵. به این دلیل که شرکت‌کنندگان معمولاً از یک جامعه آماری همگون شرکت می‌کنند، اغلب دارای دغدغه‌ها و مسائل مشترکی هستند و این موضوع به تحقق نتایج بهتر بحث کمک می‌کند.
 ۶. به این خاطر که جمعی را از یک جامعه که در ارتباط مستقیم با مسائل مشترک هستند گرد هم می‌آورد، لذا بهتر از روش‌های اثبات گرایانه و فرم‌گونه مانند پرسشنامه، بحث‌های مشترک را به عنوان یک چالش کلیدی منعکس می‌کند. آنها به شوخی و جدی تلاش می‌کنند تا تیتیر اصلی مسائل خود را بازگو کنند.
 ۷. در این روش پژوهشگر، فرصت ورود به مسائل هنجاری را پیدا می‌کند که از طریق سایر روش‌های خشک، امکان‌پذیر نبود و یا به سادگی دست‌یافتنی نبود.
 ۸. همانند پخش زنده یک مناظره تلویزیونی، می‌توانید در قبال مجهول‌ها و معلول‌ها، پاسخ‌های متعددی را دریافت کنید. جنبه‌های مختلفی از دلایل مسائل مختلف در همان‌جا پاسخ داده می‌شوند و به سلسله‌ای از پرسش‌ها چندانکه با دلایل گویا دست می‌یابید.
 ۹. در این روش می‌توان به دلایل تناقض بین یک برنامه و واقعیت پاسخ‌های مناسبی یافت. برای مثال در روش‌های پرسشنامه‌ای مردم به شما پاسخ می‌دهند که باز یافت زباله در مبدأ، کار پسندیده‌ای است؛ اما در عمل متوجه می‌شویم که همان مردم خودشان این کار را انجام نمی‌دهند. پاسخ به این تناقضات در روش بحث گروهی، روشن‌تر و مشخص‌تر است.
 ۱۰. بحث گروهی متمرکز، امکان بیان تجارب گروهی یا فردی شرکت‌کنندگان از مسائل مشترک را، فراهم می‌سازد. فرصتی که در روش‌های کمی از پیمایش‌های اجتماعی کمتر در اختیار آنها گذاشته می‌شود.
 ۱۱. بحث گروهی متمرکز می‌تواند ابعاد جدیدی را برای بررسی بیشتر پیش‌روی پژوهشگر قرار دهد که پیش‌ازین در مورد آن مسئله، اندیشه‌ای نشده بود.
- اهداف مشخص، نیاز محدود به نیروی انسانی در پژوهش، امکان کنترل بر جو حاکم بر جلسات، مشارکت‌جویی، انعطاف‌پذیری در بحث، امکان کنترل بر زمان، سهولت تحلیل، از مهم‌ترین مزیت‌های دیگر در این روش هستند (Byers and Wilcox:1991).

۳-۴- کاستی‌های روش بحث‌های گروهی متمرکز

۱. هزینه‌های برگزاری جلسات به ویژه اگر در چند نوبت و برای گروه‌های متعددی برگزار شود، افزایش می‌یابد؛ اما به اندازه سایر روش‌ها در مقیاس گسترده، هزینه ندارد. بیشتر هزینه‌ها مربوط به نیروی تخصصی فعال در پژوهش و تسهیلگری است.
۲. هماهنگی زمانی، مکانی و انتخاب گروه‌های همگن کاری دشوار است.
۳. امکان اینکه دیگران تحت تأثیر بحث‌ها و نظرات سایرین قرار گیرند بیشتر است.
۴. امکان تعمیم نتایج به دست آمده به جامعه آماری بزرگ‌تر وجود ندارد.
۵. امکان طرح مسئله و پاسخ به پرسش‌ها جزئی پژوهش در این روش وجود ندارد.
۶. در مقایسه با مصاحبه‌های فردی، در میان جمع سخن گفتن به ویژه در مورد مسائل غیرمشترک برای اعضای شرکت‌کننده که تعدادی غریبه هم اطراف آن را گرفته است، دشوار است.

۷. برای بحث تمامی اعضای شرکت‌کننده، محدودیت زمانی وجود دارد که خود در نتایج و پاسخ‌ها اثر می‌گذارد.
۸. این روش امکان استفاده از تحلیل‌های آماری برای جامعه آماری را نمی‌دهد و تحلیل آن اگر بخواهیم به نتایج مناسب دست یابیم نیاز به تحلیل ذهنی قوی دارد و کیفیت اطلاعات و نتایج به مهارت گردانندگان جلسات بستگی دارد.
۹. گروه بحث متمرکز در قبال همه اهداف یک پژوهش نمی‌تواند پاسخ گو باشد. چرا که در بیشتر موارد صورت و سیمایی از مسائل را پیش رو می‌گذارد و نه عمق موضوعات را. برای مثال در پژوهش‌های فقر اجتماع محلی تنها اتکای به بحث‌های گروهی نمی‌تواند درک درستی از وضعیت فقر را نمایان سازد.
۱۰. این روش نمی‌تواند گویای مسائل ناشنویان و یا افراد معلول ذهنی باشد.

۳-۵- بایدها و نبایدها در روش بحث‌های گروهی متمرکز

- برگزاری جلسات بحث گروهی و رسیدن به نتایج مطلوب، خود یک هنر در پژوهش‌های اجتماعی است؛ زیرا کوچک‌ترین تصمیم، اشتباه، سخن و یا حرکتی نا اندیشیده، می‌تواند نتایج منفی در بحث و یافته‌ها به همراه داشته باشد.
۱. **صمیمانه آری، افراطی نه:** رعایت شئون اخلاقی، توجه به شخصیت افراد، ارزش‌های اجتماعی گروه و جامعه آنها، عدم ورود به حریم شخصی افراد و تجسس در زندگی و اعتقادات، نژاد، مذهب و کیش آنها از مهم‌ترین اصول اخلاقی یک فرآیند بحث گروهی متمرکز است. همان‌گونه که در علوم اجتماعی اخلاق‌گرایی به عنوان یک مکتب شناخته می‌شود.
 ۲. **منعطف آری، استاندارد نه:** نباید فهرستی از استانداردها، جداول، پرسش‌ها و قالب‌های از قبل طراحی‌شده را بدون مقدمه و طرح مسئله در پیش روی گروه قرارداد. لازم است مستندات توسط تسهیلگران تکمیل شوند و تمامی توجه مسئول برگزاری جلسات به سمت افراد و هدایت بحث‌ها باشد. همچنین نباید محیط خشک، خسته‌کننده و آموزش‌گونه را بر بحث حاکم ساخت. این مسئله به فشار روانی و یا پنهان نمودن مسائل خواهد انجامید. بحث باید چندسویه باشد و همچنین ممکن هست در هنگام بحث، مسائلی طرح شود که در فهرست پرسش‌های شما قرار ندارند.
 ۳. **بینش آری، قانون نه:** اگر چه بحث‌های گروهی متمرکز بینش‌ها و دیدگاه‌ها و مسائل اکتشاف نشده نوینی را معرفی می‌نمایند، لیکن نمی‌توان صرفاً به یافته‌های آن متکی بود و از روش‌های آماری و پیمایشی و یا نظریه‌ای صرف‌نظر کرد. در واقع نتایج بحث‌های گروهی تنها بخشی از مسائل اجتماع و جامعه آماری خواهد بود. به طور روشن این روش قدرت کافی برای تعمیم مسائل به کل جامعه آماری را ندارد و نمی‌توان نتایج آن را به کل محله تعمیم داده و به شکل قانون، صادر کرد.
 ۴. **همگونی آری، تنوع نه:** استفاده از نظرات افراد و گروه‌ها در طیف گسترده می‌تواند به یافته‌های بحث کمک کند. لیکن این موضوع به مفهوم دخالت دادن انواع سلیقه‌ها و نظرات و بحث‌های گوناگون نیست؛ زیرا نظرات پراکنده می‌تواند گروه را از اهداف مشترکی که در ابتدا مطرح بود، دور نماید و به نتایج بدون ثمری منتهی شود. این مسئله در نواحی نابسامان شهری بسیار تکرار می‌شود و گاهی جلسات بحث را از کنترل خارج و بحث را به بیراهه می‌برد. لذا دسته‌بندی درست از گروه‌ها و نوع بیان پرسش‌ها و بحث‌ها مهم هستند.
 ۵. **کلمات آری، اعداد نه:** در بحث‌های گروهی متمرکز این الفاظ و لغات هستند که به یافته‌ها منتهی می‌شوند. همان‌گونه که در روش‌های کمی، آمار و اعداد بیانگر مسائل هستند. در بیشتر موارد در نواحی نابسامان شهری افراد اعدادی را بر زبان می‌آورند که در واقعیت چنین نیست. برای مثال وقتی از فردی تحصیل‌نکرده می‌پرسیم، جمعیت محله چقدر است، می‌گوید خیلی زیاد، شاید ۵۰ هزار یا ۱۰۰ هزار نفر. درحالی‌که جمعیت محله کمتر از ۱۰ هزار نفر است. از این‌رو چشم‌انداز و الگو را در بحث‌های گروهی متمرکز، کلمات و واژگان کلیدی ترسیم می‌نمایند.
 ۶. **ابداع آری، سلیقه نه:** در بحث‌های گروهی می‌توان از خلاقیت و نوآوری افراد و تسهیلگران سود جست؛ اما نباید در دریافت و یا انعکاس نظر گروه، اعمال تغییرات محتوایی و اعمال سلیقه فردی و شخصی نمود. در این صورت با خطر جدی نادرستی نظرات اجتماع محلی مواجه خواهیم بود.
 ۷. **پاسخ آری، مناقشه نه:** باید به پرسش‌های شنوندگان پاسخ و به نظرات آنها احترام گذاشت. باید شنونده خوبی بود؛ اما نباید در این پرسش‌ها بحث را به مناقشه کشاند؛ زیرا تسهیلگران و مشاوران مسئولیتی در قبال مسائل ندارند و همچنین اختیاری برای تصمیمات نهایی ندارند. لذا باید

هنرمندانه از جلسات بحث گروهی، استفاده فکری به عمل آورد. نباید بحث‌های دوسویه راه انداخت و بحث را به جدال کشاند. در مواقعی اگر بحث‌ها را بسیار آزادانه رها نمود، در آن صورت شما نخواهید توانست به پاسخ‌های کلیه پرسش‌های خود برسید. از این رو، اگر چه نباید جلسات خشک و رسمی باشد، ولی نباید به قدری پراکنده باشد که نتوانید به پاسخ پرسش‌های خود دست یابید.

۸. **اعتماد آری، زودباوری نه:** در بسیاری موارد، در سکونتگاه‌های غیررسمی، افراد به باور اینکه قرار است حمایتی مادی صورت بگیرد، سخنانی خلاف واقعیت طرح می‌کنند که بیشتر بر اساس نفوذ فکری افرادی ذی‌نفع در اذهان آنها است. برای مثال با این باور که قرار است مسکن و یا وامی بلاعوض داده شود، مسائل را بسیار وخیم‌تر از آنچه که هست نمایش می‌دهند. در این گونه موارد باید مطالب را با دقت بیشتر و روش‌های میدانی، مصاحبه‌ها و بحث‌های کارشناسی پیگیری نمود.

نکته نهایی اینکه باید در استفاده از ابزارها، رفتارها و حرکاتی که تمرکز افراد را به هم می‌زند، دوری نمود. بهترین نتیجه زمانی به دست خواهد آمد که کلیه شرکت‌کنندگان در بحث شرکت نموده باشند و نظرشان مهم تلقی شود. همچنین مستندسازی باید به گونه‌ای انجام شود که به تدوین گزارش‌های نهایی مناسب بیانجامد. اگر جلساتی به بهترین نحو برگزار شود، لیکن گزارش خوبی از آن بیرون نیاید، در واقع به این معنی است که جلساتی برگزار نشده است. برای مثال: اگر صداها و تصاویر باکیفیت مناسب ضبط نشود، به کار گزارش شما آسیب زده است.

۴- الگوی تدوین گزارش در روش بحث‌های گروهی متمرکز

برای رسیدن به اهداف مطالعات ساماندهی نواحی نابسامان شهری که بخشی از آن به انعکاس مسائل اجتماع محلی و سکونتگاه‌ها بازمی‌گردد نیاز است تا گزارش شایسته‌ای تهیه و به نهادهای مسئول منعکس گردد. ساختار گزارش یک بحث گروهی متمرکز به طور کل می‌تواند شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. مقدمه و طرح مسئله
۲. روش‌شناسی و معرفی فرآیند برگزاری بحث گروهی
۳. بیان اهداف بحث گروهی
۴. پرسش‌های طرح‌شده
۵. پاسخ‌های ارائه‌شده
۶. سایر بحث‌های مهم
۷. تجزیه و تحلیل و آزمون یافته‌ها
۸. اولویت‌بندی یافته‌ها
۹. تدوین، دسته‌بندی و استخراج نتایج
۱۰. پیشنهادهایی برای کاربرد نتایج
۱۱. انطباق نتایج با پرسش‌ها و اهداف بحث
۱۲. تدوین گزارش نهایی.
۱۳. ارائه اسناد پشتیبان و پیوست‌ها

استفاده از عکس‌ها، نقشه‌ها و نتایج مصاحبه‌های عمقی به تدوین گزارش بهتر در این مورد کمک موثری خواهد نمود. پیشنهاد نتایج برای تدوین راهبردهای کلان در برنامه و تأثیر دادن یافته‌ها در پروژه‌های عملیاتی و اجرایی، بخشی کامل‌کننده برای گرفتن نتایج مطلوب از جلسات بحث گروهی است.

قاب ۱: تجربی از شهرهای ایران

برگزاری جلسات بحث‌های گروهی همواره با مسائل، چالش‌ها و اضطراب‌هایی همراه است. برخی از تجارب را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱- هماهنگ نمودن مردم برای برگزاری جلسات بحث گروهی، نیاز به حوصله و دقت دارد. به ویژه اگر قرار باشد به مردم این آگاهی را منتقل نمایید که قرار نیست در کوتاه‌مدت و از طریق تزریق و حمایت پولی مشکلات آنها را بر طرف نمایید.

۲- در هنگام برگزاری جلسات بحث گروهی، مسئله امنیت گروه و آزادی بیان آنها و محرمانه بودن اطلاعات آنها به ویژه زمانی که از مشکلات شخصی صحبت می‌کنند، اهمیت زیادی دارد.

۳- اجتماع محلی بعد از قرار گرفتن در واقعیت بحث و پی بردن به اینکه تسهیلگران و مشاوران تنها نقش اطلاع‌رسانی دارند، مایوس می‌شوند؛ زیرا انتظار آنها و درک آنها حل آنی مشکلات است، آن هم با روش‌های پولی و مادی و اگر برایشان جذاب نباشد صحنه را ترک می‌کنند. دسته‌ای که باقی می‌مانند، دغدغه‌هایی دارند که بیش از مسائل مالی است.

۴- اگر جلسات بحث‌های گروهی به خوبی برگزار شد و منتهی به گزارشی شد و حتی نتایج هم در برنامه‌ها گنجانده شد، اما هنوز فاصله زیادی بین مردم و اجرای برنامه‌ها وجود دارد. این فاصله بیانگر عدم کارایی روش‌های مرسوم در اجرای طرح‌های ساماندهی‌اند.

۵- بعد از گذشت ماه‌ها و سال‌ها، هیچ مسئولی قدمی برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌هایی که حتی از درون صحبت‌های مردم بیرون آمده است بر نمی‌دارد؛ بنابراین نباید فرض کرد که روش، روش غلطی است. بلکه مسائل و مشکلات موجود در این محلات در کوتاه‌مدت حل شدنی نیست و نیازمند تفکر راهبردی و ساز و کارهای نهادی پایدار است.



شکل ۳- نمونه‌ای از جلسات بحث در مسجد محله یکی از محلات شهر اهواز.



شکل ۴- نمونه‌ای از جلسات بحث، در یکی از محلات شهر بندرامام خمینی.

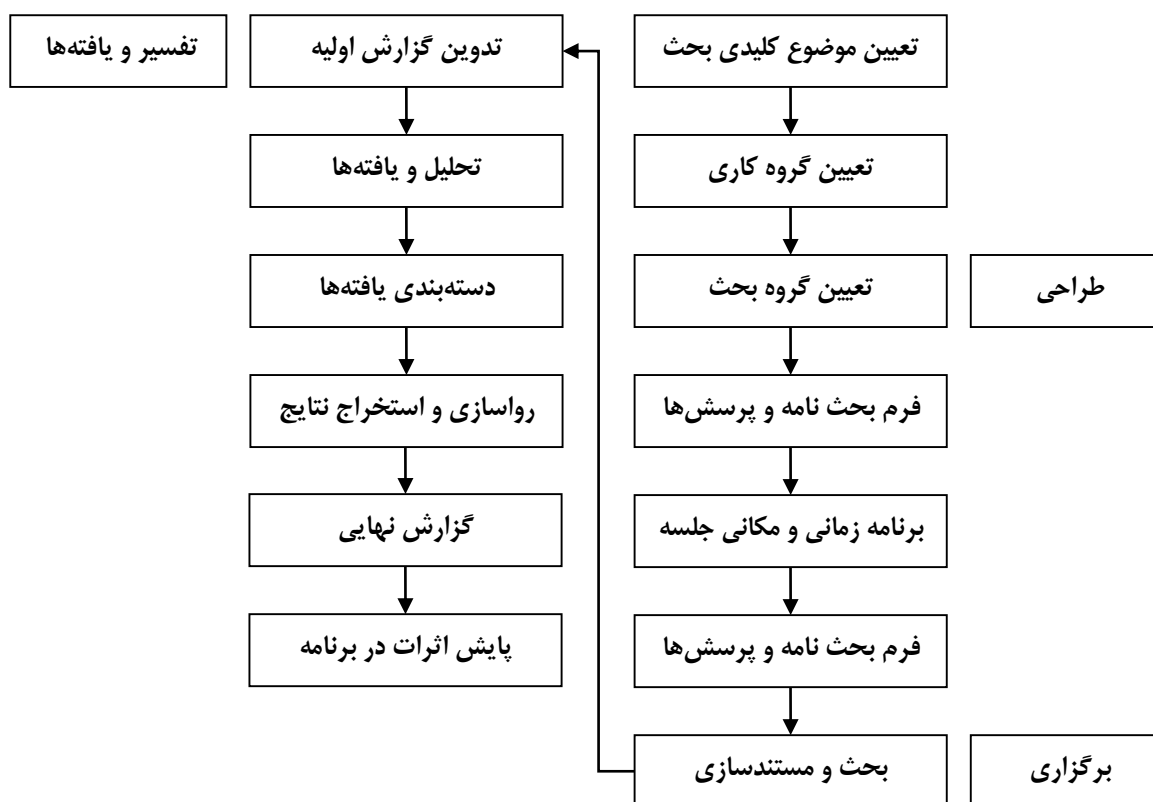
مأخذ: مهندسان مشاور آمایش و توسعه البرز، ۱۳۹۲.

قاب ۲- نمونه‌ای از یک کار برگ بحث‌های گروهی متمرکز

نام پژوهش یا طرح:	
شناسه تشخیص گروه:	نام مستند ساز:
موضوع بحث گروهی متمرکز:	مکان برگزاری:
تعداد شرکت کنندگان:	زمان برگزاری:
نام تسهیلگر:	
پرسش‌ها:	پاسخ‌ها (ذکر نام پاسخ‌دهنده):

به طور خلاصه فرآیند برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز در نواحی نابسامان شهری را می‌توان در نمودار ذیل منعکس نمود:

شکل ۵- فرآیند برگزاری جلسات بحث گروهی متمرکز در نواحی نابسامان شهری



هدف نهایی بحث‌های گروهی متمرکز، به‌تنهایی تهیه گزارش نیست و بلکه باید نتایج نهایی تفسیر، تحلیل، استخراج و دسته‌بندی شود و در تدوین برنامه‌ها ساماندهی سکونتگاه و توسعه اجتماع محلی به کار رود. چه بسا که لازم است با تمامی عناصر موثر در فرآیند توسعه این محلات، جلسات بحث‌های گروهی برگزار شود.

در نهایت اعتبار «بحث گروهی متمرکز» قابلیت استفاده آن در تعریف برنامه‌های توسعه محله‌ای است. تمامی تلاش‌ها به این خاطر است که نتایج در برنامه‌های اجرایی نهادهای متولی منعکس شده و اثربخش باشد.

۵- نتیجه‌گیری

روش بحث‌های گروهی متمرکز، از روش‌های کیفی پژوهش است. در این روش طبق برنامه‌ریزی قبلی، جلساتی با گروه‌های دعوت‌شده برای بحث، حول موضوعاتی ویژه برای بررسی مسائل محلات نابسامان و غیررسمی برگزار می‌شود. نتایج بحث‌های انجام‌شده باید انعکاس و تأثیری در تغییر وضعیت و کیفیت زندگی اجتماع محلی در سکونتگاه‌های غیررسمی در مدت زمانی معین داشته باشد و نظرات اجتماع محلی را در برنامه‌ها منعکس نماید؛ اما تجارب مختلف بیانگر این مسئله است که باوجود کارآمدی این روش در کشف و انعکاس مسائل اجتماع محلی، هنوز فاصله عمیقی برای عملیاتی شدن نتایج بحث‌ها و اثرات آن در برنامه‌ها وجود دارد. بخشی از مسئله در ناهماهنگی‌های بین سیاست‌های ملی و محلی و نیز عدم تعهد و خواست سیاسی و نیز محدودیت‌های مالی برای حل مشکلات این نواحی در سطوح محلی، ریشه دارد. بین مطالعه و اجرای برنامه‌ها در اثر عدم تعهد و مسؤولیت برخی از نهادهای مدیریت شهری، محدودیت شهرداری‌ها و نیز عدم سرمایه‌گذاری در این نواحی و یا تخصیص نادرست آنها، فاصله وجود دارد. علاوه بر تشکیلات دولتی موجود در حمایت و هدایت ساماندهی نواحی نابسامان شهری، این محلات نیازمند وجود برنامه‌های بلندمدت، راهبردی، مستقل از سلیقه‌های مدیران شهری و دور از طمع برخی از افراد و شرکت‌های خصوصی‌اند. این محلات نیاز به تشکیلاتی مستقل مانند شهرداری یا دفاتر توسعه اجتماع محلی دارند. میان سطوح مختلف برنامه‌ریزی و توسعه در مقیاس محله‌ای نیاز به ساختارهای اجتماع‌محور وجود دارد. با دامنه وسیعی از اقدامات در سطح محلی و برخورد از پشتوانه‌های مالی، فنی و سیاسی. به خاطر داشته باشیم که هدف استقرار اداری رسمی برای برخورد با اجتماع محلی نیست و بلکه بر عکس هدف اصلی حمایت از منافع اجتماع محلی و توسعه بلندمدت محله در انطباق با طرح‌های توسعه در مقیاس کلان‌تر است. نیاز است تا جلسات بحث گروهی با مردم در خانه‌ها یا دفاتر محله تداوم داشته باشد و این امر نیازمند حضور مشاوران و تسهیلگران متخصص و فعال در دفاتر محلی است که تحت حمایت مردم، شهرداری‌ها و شوراهای شهر و دیگر نهادها، به طور مستمر، توسعه محلات را پیش کنند. به ویژه آنکه خوشه‌ها و گروه‌های فقر شناسایی و برای توانمندسازی و ارتقای وضعیت زندگی آنها اقدامات پایه‌ای انجام گیرد (بهبود مسکن، آموزش، اعتبارات خرد و سایر حمایت‌ها). باید ایمان داشت که شهروندان و شهرها، ثروت‌های واقعی هستند و بهبود فضای زندگی و ایمنی سکونت آنها و محیط زندگی و دارایی آنها در اولویت قرار دارد و باید سرمایه‌ها و بیش از آن تفکر ملی را به سمت توسعه مطلوب آنها هدایت نمود.

تشکر و قدردانی

این نوشتار براساس تجاربی است که در طول سال‌های ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۹۲ طی همکاری با وزارت مسکن و شهرسازی (سابق)، بانک جهانی، مهندسان مشاور کاوش معماری، مشاور آمایش و توسعه البرز و شهرداری تهران به عنوان کارشناس طرح یا مدیر پروژه به خصوص در مطالعات سکونتگاه‌های غیررسمی شهرهای چابهار، کنارک، برازجان، اهواز و بندرامام خمینی^(۵) به دست آمده است. لذا از نهادهای نامبرده سپاسگزاری می‌شود.

مراجع

- ۱- آمایش و توسعه البرز، مهندسان مشاور (۱۳۹۰)، «مطالعات ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر برازجان». کارفرما وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- ۲- آمایش و توسعه البرز، مهندسان مشاور (۱۳۹۲)، «مطالعات اسکان مجدد و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی در شهرهای خوزستان (اهواز و سرپندرامام خمینی)». کارفرما وزارت راه و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران (در حال انجام).
- ۳- کاوش، معماری (۱۳۸۸)، «مطالعات ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهرهای کنارک و چابهار». کارفرما وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- ۴- رفیعیان، مجتبی. توکلی، مرتضی. هودسنی، هانی (۱۳۸۵)، «کاربرد متدولوژی گروه‌های بحث در پژوهش توانمندسازی محلات غیررسمی شهری». در: نشریه هنرهای زیبا، انتشارات دانشگاه تهران؛ گروه هنر و شهرسازی، شماره ۲۶، تابستان. صص ۴۷ الی ۵۶.
- ۵- نوروزی جوینانی، سعید (۱۳۸۸)، «بحث گروهی متمرکز: مبانی، فرآیند، تحلیل». ترجمه و تألیف. تهران، انتشارات دانژه، ۱۵۵ صفحه.
- 6- Liamputtong, Pranee (2011). *Focus Group Methodology: Principle and Practice*. SAGE Publications, 224 pages.
- 7- Byers, P. Y. Wilcox, J. R. (1991). *Focus Groups: A Qualitative Opportunity for Researchers*. Journal of business Communication. Pp: 63-79.

بررسی رابطه فرهنگ با معماری آرامگاهی و تأثیر آن در
طرح آرامگاه بوعلی سینا همدان
کورش مومنی دهقی

معماری و شهرسازی اسلامی در فرم یا در معنا
رحیم هاشم پور

تأملی بر مسایل و مشکلات شهرهای جدید با تأکید بر شهر
جدید رامشمار (زابل)
خدارحم بزی

کاربرد روش بحث‌های گروهی متمرکز در پژوهش نواحی
نابسامان شهری
علیرضا محمدی